

## بخشی از کتاب «تبار ترور»

### مروری بر کارنامه تروریستی سازمان مجاهدین خلق

دکتر محمد صادق کوشکی

#### سازمان مجاهدین خلق، فاز مسلحانه و تروریسم

##### مقدمه :

این بخش به چگونگی ورود سازمان مجاهدین خلق به فاز مسلحانه و رویارویی مسلحانه ی آن با انقلاب و نظام جمهوری اسلامی اختصاص یافته است . در فصل نخست این بخش به بررسی زمینه ها و علل رویکرد سازمان به فاز مسلحانه در خرداد ۱۳۶۰ و تشریح مراحل این فاز خواهیم پرداخت و با تکیه بر نشریات و مکتوبات درونی سازمان جزئیات و فرآیند و کنش های مسلحانه ی سازمان تبیین خواهد شد .

فصل دوم از بخش حاضر به بیان عملیات های نظامی سازمان که در قالب حرکت های تروریستی سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۹ صورت گرفته ، اختصاص یافته است . ویژگی بارز این فصل تکیه کامل بر بیانیه ها و اعلامیه های رسمی سازمان منتشر شده در ارگان آن (نشریه مجاهد) است .

در حقیقت در این فصل صرفاً حرکت های تروریستی که سازمان مجاهدین خلق به گونه ای رسمی مسئولیت ارتکاب آنها را به عهده گرفته است ، ذکر خواهد شد و به منظور پیشگیری از هر گونه شبهه و یا خدشه ، عین متن نشریه به اضافه ی بازنویسی آن درج خواهد گردید .

بی شک جنایاتی که به وسیله ی این سازمان صورت گرفته ، بسیار بیشتر از مواردی است که سازمان مسئولیت آنها را پذیرفته است .

از سوی دیگر برخی حوادث و فجایع تروریستی نیز علیه مسئولان نظام و مردم مسلمان ایران صورت پذیرفته که هر چند ارتکاب آنها به گونه ای مشهور به سازمان مجاهدین خلق نسبت داده می شود ، اما اسناد و مدارک معتبری در این خصوص به دست نیامده است .

از جمله جنایاتی که ارتکاب آن از سوی سازمان مجاهدین خلق قطعی است و نیروهای هوادار و اعضای سازمان پس از دستگیری با دقت هر چه تمامتر به تشریح چگونگی آن پرداخته و مسئولیت آن را بر عهده گرفته اند (اما از سوی سازمان به شکل رسمی مسئولیت آن پذیرفته نشده است)، ربودن، شکنجه و به شهادت رساندن سه تن از پاسداران کمیته ی انقلاب اسلامی (شهید طالب طاهری، محسن میر جلیلی و شاهرخ طهماسبی) و یک شهروند عادی (به نام شهید عباس عفت روش) بوده که به واسطه اعمال شکنجه های شدید و غیر انسانی و افشای جزئیات این جنایات، سازمان از پذیرش مسئولیت آنها سر باز زده است تا از محکومیت خود در افکار عمومی داخل کشور و محکومیت های احتمالی افکار عمومی در خارج از کشور پیشگیری نماید.

همچنین ترور تعداد بسیاری از مردم کوچه و بازار که هیچگونه ارتباطی با نیروهای نظامی یا امنیتی نداشته و صرفاً به واسطه داشتن ظواهر مذهبی، هدف حملات تروریستی و کور اعضای سازمان قرار گرفته اند نیز از سوی سازمان به صورت رسمی پذیرفته نشده است. (۱)

از دیگر سو مسئولیت مواردی مانند فاجعه ی هفتم تیر و هشتم شهریور ماه ۱۳۶۰ (انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و انفجار دفتر نخست وزیری) که منجر به شهادت قریب به هشتاد نفر از دولتمردان و مسئولین عالیرتبه ی نظام جمهوری اسلامی گردید، نیز هیچگاه از سوی سازمان پذیرفته نشده و از آنجا که عاملان این فجایع نیز متواری شدند و به دست عدالت گرفتار نشدند، امکان اثبات این نکته که جنایات یاد شده به دستور رسمی سازمان صورت گرفته است، فراهم نیامده است.

در مجموع حوادث تروریستی منسوب به سازمان منافقین را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. حوادثی که سازمان به صورت رسمی مسئولیت آنها را بر عهده گرفته است. (که در این بخش به

توصیف این فجایع پرداخته خواهد شد)

---

۱. برای مطالعه این موارد به صورت مبسوط ر. ک به جزئیات شکنجه ی سه پاسدار، انتشارات دادستانی انقلاب اسلامی،

تهران، مرداد ماه ۱۳۶۳، کارنامه سیاه، انتشارات دادستانی انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۶۲

۲. حادثی که ارتکاب آنها از سوی سازمان قطعی است . (مرتکبین این فجایع به جنایات خود اقرار کرده اند) اما سازمان به دلایل مختلف مسئولیت آنها را رسماً نپذیرفته است .
۳. حادثی که ارتکاب آنها از سوی سازمان قطعی است ولی عاملین آن فرار کرده و امکان اثبات این جنایات که رسماً به دستور سازمان صورت گرفته ، وجود ندارد .

## « فصل اول »

### زمینه ها ، علل و چگونگی ورود سازمان به فاز مسلحانه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی سازمان مجاهدین خلق که با رهبری مسعود رجوی خیال تسلط بر حاکمیت سیاسی را در سر می پروراند ، با حقیقتی به نام حرکت منسجم مردمی در جهت تثبیت و تأیید نظام جمهوری اسلامی روبرو شد و در عمل برای رهبری سازمان و کلیه ی فعالان سیاسی اثبات گردید که روند انقلاب به گونه ای سامان یافته است که مجالی برای قدرت طلبی گروه های مختلف خواهان قدرت (از سازمان مجاهدین گرفته تا گروه های چپ) باقی نخواهد گذارد .

از این رو پس از شکست سازمان در فرآیند مردمی تعیین حاکمیت (همه پرسی جمهوری اسلامی ، انتخابات نخستین دوره ی ریاست جمهوری ، انتخابات نخستین دوره ی مجلس شورای اسلامی ، انتخابات خبرگان قانون اساسی و همه پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی) به تدریج زمینه های ورود سازمان به فاز مسلحانه پدیدار شد .

به بیان دیگر از همان مقطعی که سازمان احساس کرد فاقد پشتوانه مردمی و به تبع آن قانونی برای کسب قدرت از مجاری منطقی و قانونی آن (انتخابات) است ، به ایجاد زمینه برای تصاحب مسلحانه ی قدرت پرداخت .

ابراهیم یزدی که در آن مقطع نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشت ، در این باره می گوید :

" در خلال بحث های سازمان این نکته مشهود بود که آنها اذعان دارند که انقلاب محصول همکاری دو جریان اسلامی یعنی روشنفکران دینی و روحانیون است . سازمان انقلاب را حق خود می دانست و هر دو جریان روحانی و روشنفکر را غاصب می دانستند و روشنفکران دینی و امثال مهندس بازرگان را لیبرال و روحانیت را مرتجع می دانستند و در تحلیل های خود بر این باور بودند که اولویت در خلع روحانیون (یا به بیان خودشان ارتجاع) از قدرت است و در صورت موفقیت در این امر ، جارو کردن لیبرال ها آسان خواهد بود . (۱)

---

۱. مجله ی چشم انداز ایران ، مصاحبه با ابراهیم یزدی ، شماره ی ۳۲ ، تیر و مرداد ۱۳۸۴ ، ص ۴۹

یزدی در ادامه می افزاید :

" قبل از حوادث خرداد ماه ۱۳۶۰ بچه های سازمان پیش من آمدند و گفتند که تجربه ی انقلاب را تکرار خواهند کرد . من با صراحت به آنها گفتم که تحلیل های آنها اشتباه است و آنها جواب دادند که در دوران انقلاب خیابان ها در کنترل ما بود ، حالا هم همان کار را می کنیم . و من در جواب آنها گفتم : در زمان انقلاب بدنه ی جامعه هر حرکتی را علیه نظام شاهنشاهی تأیید می کرد ، اما امروز بدنه ی جامعه با شما نیست . شما یک گروه کوچک و اقلیتی هستید و اگر بخواهید دست به کار مسلحانه بزنید ، با شما برخورد می کنند و شما تاب مقاومت را ندارید و بنابراین به شدت آسیب خواهید دید و متلاشی خواهید شد . در آن ملاقات کم و بیش مطرح کردند که قاطعانه خواهند ایستاد ، آنها به میلیشیایی که درست کرده بودند خیلی بها می دادند و فکر می کردند می توانند مقاومت کنند . " (۱)

---

۱. همان

بر اساس چنین تحلیلی بود که سازمان به طمع تصاحب قدرت، گام در مسیری گذارد که نهایت آن درگیری و تقابل مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی بود. در این میان آنچه بیش از هر امر دیگر به چشم می آید، نحوه ی ورود سازمان به این مرحله و زمینه سازی برای همراهی افکار عمومی درون سازمان و توجیه افکار عمومی مردم در خصوص چرایی ورود سازمان به فاز مسلحانه بود.

سازمان طی یک سال جنگ روانی طراحی شده، چنین وانمود کرد که این نظام است که سازمان را وادار به نبرد مسلحانه کرده و در حقیقت سازمان به منظور دفاع از خود مجبور به نبرد مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی شده است.

عزت الله سبحانی از جمله فعالان نزدیک به نهضت آزادی و از جمله چهره های سیاسی مرتبط با سازمان مجاهدین بود که در آن مقطع نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشت. او درباره ی زمینه سازی گام به گام مجاهدین برای رسیدن به مرحله ی قیام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی می گوید:

" بچه های سازمان متأسفانه گوششان بدهکار نبود. من بعدها متوجه شدم که اینها روی هوادارانشان هم تدریجی کار می کردند، همانگونه که به تدریج می خواستند من را قانع کنند که حرف هایشان را بپذیرم. رهبری سازمان هیچ وقت ناگهانی مطرح نمی کرد که باید با حاکمیت درگیر بشویم. مثلاً مدتی بیان می کردند که در شهرستان ها اعضا و هواداران سازمان را می گیرند و شکنجه می دهند. یک بار یکی از همین بچه های مجاهدین از شهرستان به ملاقات من آمد و دیدم که سینه اش را با آتش سیگار سوزانده اند. هر چند بعدها فهمیدیم که این ساختگی بوده و خود سازمان این کار را کرده بود تا شکنجه را به پای نظام بگذارند.

سازمان می خواست با این کار به تدریج افکار عمومی را قانع کند که چون از طرف نظام و نیروهای حزب الهی به سازمان و اعضای آن حمله می شود، اعضا و کادرها و هواداران سازمان همه به رهبری آن فشار می آورند که باید یک کار جدی کرد: یک حرکت مسلحانه!

مسعود رجوی خودش می گفت که ما چه کار کنیم؟ داریم در مقابل بچه های سازمان در می مانیم و تا حالا در مقابل آنها مقاومت کردیم و در واقع حرکت سازمان به سوی درگیری های تند و قهرآمیز را به گردن بدنه ی سازمان می انداخت. " (۱)

---

۱. مجله ی چشم انداز ایران ، مصاحبه با عزب الله سبحی ، شماره ی ۲۷ ، شهریور و مهر ۱۳۸۴ ، ص ۱۰

سحابی در ادامه در خصوص چگونگی زمینه سازی تدریجی سازمان برای ورود به فاز مسلحانه به نمونه ای اشاره کرده ، می گوید :

" مسعود به من گفت : ما دیگر درمانده ایم ؛ بچه های سازمان از پایین خیلی به ما فشار می آوردند . این در حالی بود که مهدی بخارایی و حبیب مکرم دوست (از بچه های سطح بالای سازمان) و دو نفر دیگر در یک مصاحبه تلویزیونی گفتند : خود سازمان طی یک برنامه ی حساب شده پله پله ما را به طرف این درگیری ها می کشاند ؛ به گونه ای که ما خودمان به این نتیجه برسیم که باید کار مسلحانه بکنیم .

البته نیروهای قوی تر و سطح بالاتر از بخارایی و مکرم دوست هم به این نکته تأکید می کردند که سازمان با یک برنامه حساب شده ، بدون این که به صراحت به ما بگوید که خودتان را آماده کنید ، ما را به طرف کارهای قهر آمیز می راند . اما مسعود پیش ما می گفت بدنه سازمان به ما فشار می آورد ، در حالی که به واقع خود رهبری سازمان بدنه را به سمت مبارزه مسلحانه هدایت می کردند. " (۱)

---

۱. همان

سحابی در جمع بندی زمینه های ورود سازمان به فاز خشونت آمیز می گوید :

" ورود سازمان به فاز مسلحانه دو مؤلفه داشت . نخست جاه طلبی ها و خودخواهی ها و دوم ضرورت های سازمانی . وقتی رادیکالیزم درون یک سازمان خیلی رشد می کند و از حدود پیش بینی شده ی

تئوریک رهبری سازمان جلوتر می رود ، سرنوشت چنین سازمانی این خواهد بود که روز بروز خود این سازمان و رهبری اش رادیکال تر می شود ، ولو این که خودش اعتقاد نداشته باشد .

برای این که اولاً رهبری سازمان می خواهد خودش را حفظ کند ، دوم این که همین رهبری بدون این که فشار از پایین بیاید ، وقتی می بیند که اختلافاتی درون سازمان رشد کرده و یا گرایش های گریز از مرکز پیدا شده ، به ضرورت، به طرف تشدید تمرکز پیش می رود . تشدید تمرکز هم خود تشدید ایدئولوژیک را در پی دارد ."

دقیقاً در جهت چنین حرکتی است که سازمان به سمتی رفت که بیش از یک گزینه برای انتخاب نداشت و آن ورود به عرصه ی براندازی نظام جمهوری اسلامی بود . در حقیقت سازمان ضرورت اعمال قهر و مبارزه ی مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی را بدیهی فرض کرده بود و بر همین مبنا دغدغه ی خود را چگونگی مبارزه ی مسلحانه با نظام اسلامی می دانست و نه ضرورت یا عدم ضرورت مبارزه ی مسلحانه ! مسعود رجوی در کتاب جمع بندی یکساله ی مقاومت در این باره چنین آورده است :

" سؤال این بود که چگونه و در چه خطی می توان رژیم خمینی را سرنگون ساخت . امروزه دیگر برای هر کسی که مختصر آشنایی با رژیم خمینی داشته باشد ، ضرورت مبارزه ی مسلحانه احتیاجی به بحث و اثبات ندارد . منظور سازمان هم از استراتژی و جاده ای که در بحث مان می خواهیم به دست بیاوریم ، یعنی این که مبارزه ی مسحانه را چطوری و در چه مسیری به کار بیاندازم تا رژیم سریع تر سرنگون شود ." (۱)

---

۱. مسعود رجوی ، جمع بندی یکساله ی مقاومت ، انتشارات سازمان مجاهدین خلق ، ص ۵۳

رجوی چنان به درستی مسیری که برای سازمان ترسیم نموده پافشاری می کرد که حتی برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی یک جدول زمان بندی ! ارائه نمود :

" تمام خط و ربط های استراتژیکی و تحلیلی ما نیز حاکی از ضرورت و حتمیت سرنگونی رژیم در چشم انداز محدود و کوتاه مدت است ، یعنی در زمانی که حداقل یک سال و حداکثر سه سال طول خواهد کشید . " (۱)

---

۱. همان ، ص ۱۵۱

رجوی در ادامه ی طراحی خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی به روش مسلحانه به چند مرحله اشاره می کند :

" مرحله ی اول فاز نظامی از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ شروع شد و تا تابستان ۱۳۶۱ طول کشید . این مرحله نوبت سران سیاسی بود . قبل از هر چیز شاه مهره ها هدف بودند . در این مرحله قرار بود که رژیم بی آینده شود و ثباتش را از دست بدهد و در عوض سازمان تثبیت شده و به عنوان جانشین رژیم اسلامی معرفی شود .

مرحله ی دوم از تابستان ۱۳۶۱ تا پایان سال ۱۳۶۲ ادامه یافت . در این مرحله نوبت به تنه ی سرکوبگر نظام رسید ، یعنی زدن سر انگشتان رژیم (مقصود رجوی از سرانگشتان رژیم نیروهای سپاه ، بسیج ، حزب اللهی و کلیه ی افرادی که به نحوی با جمهوری اسلامی ارتباطی داشتند ، بوده است) و اینجاست که قطع دست و پای اجرایی رژیم اسلامی اهمیت پیدا می کند . " (۱)

---

۱. همان ، ص ۱۰۹

البته تمامی افراد سازمان مانند رجوی با ورود به فاز نظامی موافق نبودند و آن را " چپ روی زود رس " می دانستند و همین امر تنش هایی را در مرکزیت و بدنه ی سازمان ایجاد کرد . از جمله مخالفان ورود سازمان به فاز مسلحانه ی محمدرضا سعادتی از اعضای مرکزیت سازمان بود که به هنگام شروع فاز مسلحانه ، به جرم جاسوسی برای شوروی سابق در زندان بود .



وی از زندان نامه ای به مادر رضایی ها (۱) نوشت و طی آن حرکت سازمان به سوی مبارزه ی مسلحانه با جمهوری اسلامی را یک اشتباه محض خواند ، اما این مخالفت های پراکنده نتوانست سازمان و مرکزیت آن را از تصمیمی که به هدف کسب قدرت اتخاذ کرده بود ، باز بدارد .

---

۱. مادر احمد ، مهدی ، رضا و صدیقه رضایی از اعضای سازمان که در طول مبارزات چریکی علیه رژیم شاه در طول دهه ۱۳۵۰ کشته شدند و دستگاه تبلیغاتی سازمان او را به دلیل این موقعیت به عنوان الگوی یک زن مجاهد معرفی کرد و پیرامون شخصیت او تبلیغات فراوانی به راه انداخت و از موقعیت خاص او حداکثر بهره تبلیغاتی را برد .

نشریه ی مجاهد در شماره ی ۱۷۸ خود طی گزارشی از روند و فرآیند ورود سازمان به فاز مسلحانه می نویسد :

" در تابستان ۱۳۶۰ با صدور فرمان مقاومت انقلابی مسلحانه ، میلیشیای مجاهد خلق خود را برای نبردهای تمام عیار با دشمن خدا و خلق (رژیم جمهوری اسلامی) آماده می کند . از این پس باید گلوله را با گلوله پاسخ گفت و دیگر دوران دست خالی در برابر چماق مزدوران ارتجاع پایان یافته است .... گردان ها و گروهان های رزمنده ی میلیشیا به سرعت سازماندهی شده و تهاجم بی امان رزمندگان میلیشیا به مهره ها و مراکز سرکوبگر ارتجاع خواب راحت را از چشمان تمام مزدوران ارتجاع ربود و بسیاری از آنها را به سزای خیانت هایشان رساند ." (۱)

---

۱. نشریه ی مجاهد ، میلیشیا مبشر آزادی ، سمبل استواری و پایداری خلق ، شماره ۱۷۸ ، ص ۸

نشریه ی مجاهد در خصوص نحوه ی تداوم مبارزه ی مسلحانه ی سازمان با نظام جمهوری اسلامی چنین نوشته است :

" یکشنبه ۵ مهر ماه ۱۳۶۰ واحدهای مسلح میلیشیا در خیابان های مرکزی تهران مستقر شدند و ضعف و زبونی ارتجاع را به نمایش گذاشتند . در زمستان سال ۱۳۶۰ و پس از یک وقفه ی کوتاه در

عملیات به منظور سازماندهی و برقراری ارتباطات نوین ، سازمان مجدداً عملیات های خود را علیه مراکز و مهره های رژیم آغاز کرد . عملیات این مقطع با تکیه بر تجارب نظامی سازمان در مرحله ی قبل از تأثیرات بیشتری برخوردار بود .

از ابتدای تابستان ۱۳۶۱ واحدهای رزمنده ی میلشیا بر اساس رهنمودهای فرماندهی عالی نظامی \_ سیاسی سازمان ، برادر مجاهد مسعود رجوی و در اولین مرحله از مقاومت مسلحانه ی انقلابی خود نابودی سرانگشتان اختناق را دستور کار خود قرار دادند تا آنجا که با اوج گیری عملیات واحدهای عملیاتی سازمان و گستردگی عملیات و قدرت آتش رزمندگان سازمان ، تنها در شهریور ماه ۱۳۶۱ حدود ششصد نفر از مزدوران رژیم فقط در تهران کشته شدند . " (۱)

---

۱. همان

سازمان در ادامه ی گزارش های خود از عملیات های تروریستی نیروهایش در داخل ایران از زبان علی زرکش که در آن مقطع فرماندهی سیاسی \_ نظامی سازمان در ایران را بر عهده داشت به ترور بیش از هزار نفر از شهروندان ایرانی اعتراف می کند :

" از آغاز مرحله ی دوم مقاومت تا کنون (۱۳۶۱/۱۰/۱۶) بیش از هزار تن از ایادی رژیم به دست واحدهای عملیاتی سازمان در استان های تهران ، گیلان ، مازندران ، فارس ، همدان ، اراک ، خراسان ، اصفهان ، کردستان و ... نابود شده اند که ۲۸ نفر از آنان از نیروهای سپاه پاسداران بوده اند . " (۱)

---

۱. همان ، شماره ی ۱۳۴ ، ص ۳

زرکش در گزارش دیگری که در مورخه ی ۶۲/۴/۲۰ منتشر شد ، اعلام کرد :

" از ۳۰ خرداد ۱۳۶۱ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۲ ، حداقل ۲۸۰۰ تن از مزدوران رژیم بر اثر آتش رزمندگان مجاهد سازمان به هلاکت رسیده اند که ۴۰ تن از آنان از نیروهای پاسدار بوده اند . " (۱)

---

۱. همان ، شماره ی ۱۷۸ ، ص ۲۱

آنچه در این گزارش ها بیش از هر نکته ی دیگری به چشم می آید ، اعترافات سازمان در کشتار مردم عادی و غیر نظامی است . چرا که بنا به تصریح سازمان از میان ۲۸۰۰ نفر تنها ۴۰ تن عضو سپاه پاسداران بودند و نیروی نظامی محسوب می شدند و مابقی را شهروندان غیر نظامی تشکیل می داده اند .

زیرا با توجه به علنی بودن هویت قربانیان ترورهای سازمان ، امکان انتساب شهروندان عادی به عضویت در نیروهای نظامی و یا سمت های مهم قضایی \_ امنیتی فراهم نبود و از همین رو از میان ۲۸۰۰ تن تنها ۴۰ نفر را از اعضای سپاه معرفی می کند و درباره هویت سایر قربانیان خود سکوت می نماید .

هر چند بنابر ادبیات رایج در سازمان کلیه ی قربانیان ترورهای سازمان بدون توجه به شغل ، اعتقادات و ... مزدوران رژیم و سرانگشتان اختناق محسوب می شدند و به دلایلی از قبیل حضور یا عبور از مقابل مساجد ، همسایگی با نیروهای وفادار به جمهوری اسلامی ، نصب تصاویر مسئولان و شخصیت های مذهبی \_ سیاسی جمهوری اسلامی در محل کسب و یا منزل و یا صرفاً به علت داشتن قیافه ای حزب اللهی ! هدف آتش نیروهای سازمان قرار گرفته اند !

در نهایت مسعود رجوی طی مصاحبه ای با نشریه عرب زبان المصور ، تعداد کل شهروندان ایرانی را که از ابتدای ورود سازمان به فاز مسلحانه تا انتهای سال ۱۳۶۲ به دست نیروهای سازمان به قتل رسیدند ، بیش از ۶ هزار نفر اعلام می کند و در عمل ، مسئولیت خون بیش از ۶ هزار نفر از قربانیان سازمان را بر عهده می گیرد !

قابل توجه آن که در این مصاحبه رجوی اقرار می کند که از این تعداد صرفاً ۵ نفر از مسئولان عالی رتبه ی جمهوری اسلامی بوده و در خصوص هویت و یا مسئولیت سایر قربانیان مطلبی ارائه نمی کند . (۱) این پنج نفر عبارتند از : شهیدان اسدالله مدنی ، عبدالحسین دستغیب ، محمد صدوقی ، عطاء الله اشرفی اصفهانی و عبدالکریم هاشمی نژاد .

---

۱. همان ، شماره ی ۱۸۴ ، ص ۱۱

در طول مدتی که مرحله ی مسلحانه در داخل کشور جریان داشت ، سازمان به شیوه های مختلف نیروهای تحت امر خود را به ارتکاب اعمال تروریستی تشویق می نمود ، چه از طریق برنامه های رادیویی سازمان (که با حمایت و پشتیبانی همه جانبه ی رژیم بعث عراق صورت می گرفت) و چه به واسطه ی ارگان رسمی سازمان که در خارج از کشور منتشر و بعضاً در داخل کشور به صورتی محدود و مخفی توزیع می گردید که در این مجال به گوشه هایی از موارد تشویق به تروریسم اشاره می شود :

**الف)** نشریه ی مجاهد در صفحه ی ۱۱ از شماره ی ۱۳۳ خود در مطلبی با عنوان " عملیات بزرگ با امکانات محدود " می نویسد :

" ... رژیم علیرغم توسل به هرگونه اقدامات حفاظتی و به کار گرفتن انواع و اقسام امکانات و سلاح و اتومبیل های ضد گلوله ، هرگز قادر نبوده و نخواهند بود ، تمام کانال های ضربه خوردنش را بسته و همه ی مزدورانش را از آتش انتقام سلاح مجاهدین خلق در امان نگه دارد .

حال اگر به پارامتر فوق این نکته را اضافه کنیم که برخی مهره های رژیم گاهی به خاطر پرداختن به ارتباطات غیر علنی و غیر رسمی از تور حفاظت خارج شده و به صورت عادی به تردد می پردازند ، مشخص خواهد شد که چه بسا فرصت های حساس و مهمی به دست بیاید که مزدوران رژیم بدون حفاظت در دسترس رزمندگان مجاهد قرار بگیرند ؛ به گونه ای که بتوان با امکانات ساده و کم ، منتهی با سرعت عمل ، عملیات بزرگی انجام داد و به مهره های رژیم ضربات کاری وارد ساخت ."

در ادامه ی این مطلب که در صفحه ی ۳۵ شماره ی یاد شده ی نشریه به چاپ رسیده ، چنین آمده است :

" گزارش های متعددی در مورد تردد مهره های رژیم به صورت ناشناس به دست ما رسیده است . در یکی از این گزارش ها یکی از رزمندگان اظهار داشته طی مسافرت به تهران با اتومبیل کرایه متوجه شدم که مسافر کنار دست من از نمایندگان مجلس است که به صورت ناشناس به تهران سفر می کند . و یا در مورد دیگر ، یکی از هواداران سازمان بیان داشته ، خانه ی یکی از مهره های رژیم یک کوچه دورتر از منزل ماست و او گاهی اوقات شب ها با یک وانت از خانه ی خود خارج شده و در سطح شهر

تردد می کند. این دو گزارش به خوبی ضرورت آمادگی برای برخورد با مواردی را که حفاظت مهره های رژیم آسیب پذیر است، نشان می دهد.

هر چند که در فاز نوین مقاومت تمامی رزمندگان مجاهد باید کلیه ی توان نظامی خود را برای پاره کردن تور اختناق و نابودی پاسداران ظلمت متمرکز نمایند، ولی در شرایطی که دسترسی به مهره های حساس رژیم بدون صرف انرژی و نیاز به شیوه های پیچیده امکان پذیر است، به هیچ وجه نباید فرصت را از دست داد، بلکه باید با آمادگی و قاطعیت آنها را به سزای اعمال شان رساند.

در صفحه ی شش همین نشریه نیز مطلبی با عنوان "انهدام و به آتش کشیدن خودروهای دشمن" درج شده و طی آن دستورالعمل ساخت مواد آتش زا مانند ناپالم، کوکتل مولوتف، مخلوط بنزین و صابون، همچنین روش های شعله ور کردن مواد و سلاح های دست ساز آتش زا مانند روش ساخت تایمرهای تأخیری اشتعالی و .... آموزش داده شده و در پایان مطلب خطاب به نیروهای سازمان چنین آمده است:

"بعد از رعایت دستورالعمل های فوق باید قاطعانه و بدون شک و شبهه وارد عمل شد و از اشتباهات و

اشکالات نهراسید، زیرا فقط کسانی اشتباه نمی کنند که هیچگاه دست به عمل نمی زنند!"

مطالب یاد شده نیازی به کمترین تحلیل یا توضیح ندارند، چرا که خواننده به صورت مطالعه ی این متون می تواند عواملی چون: ایجاد انگیزه و تشویق نسبت به ترور و تروریسم، آموزش شیوه های خشن تروریستی و از همه مهمتر توجیه اشتباهات صورت گرفته طی عملیات های تروریستی؛

مانند به آتش کشیدن محل زندگی یک زوج جهادگر در شهرستان ماهشهر که در هنگام این عملیات صرفاً کودک خردسال ۳ ساله ی خانواده به نام فاطمه در محل حاضر بوده و عاملان جنایت با تصور حضور والدین وی در محل، عملیات خود را به انجام رسانده و متواری شدند.

و یا نمونه های متعددی از به آتش کشیدن منازل و خودروهای شخصی مردم به این گمان که این منازل و یا خودروها به نیروهای پاسدار یا بسیجی تعلق دارد! و دلگرمی دادن به نیروهایی که احیاناً به واسطه ی انجام عملیات تروریستی کور (۱) و یا اشتباه دچار درگیری های ذهنی شده و یاروحیه ی خود را از دست داده اند، مشاهده نماید.

۱. منظور عملیات تروریستی بی هدف است ، عملیاتی که فرد تروریست بدون در نظر داشتن هدف معین و صرفاً به منظور ایجاد ناامنی دست به ترور زده و مثلاً بی هدف به سوی مردم آتش گشوده و یا با انفجار بمب در کوچه و خیابان به کشتار عابران و شهروندان می پردازد .

ب) در صفحه ی هشت از شماره ی ۱۳۵ نشریه ی مجاهد ، ذیل عنوان " از سری تجربیات مجاهد خلق " و با تیتیر " عملیات واحدهای موتوری " به تشریح و توضیح عملیات تروریستی با استفاده از موتورسیکلت پرداخته شده و مباحثی مانند : پرتاب نارنجک و بمب های آتش زا به مراکز دشمن ، اعدام انقلابی مزدوران دشمن در مراکز حفاظت شده ی جاسوسی و کسب اطلاعات ، اعدام انقلابی مزدوران منفرد دشمن در مسیر تردد ، آموزش داده شده است .

در بخشی از این مطلب چنین آمده است :

" یکی از طرح هایی که واحد موتوری بعد از فراگیری و کسب آموزش های نظامی مکفی می تواند

انجام دهد ، به هلاکت رساندن تک مزدور دشمن در کوچه و خیابان است .... "

و البته مشخص است که مقصود از مزدور تک و منفرد آن هم در کوچه و خیابان چیست !!

در قسمت دیگری از همین مطلب به صراحت سخن از حمله به مراکز کسب و کار مردم عادی به میان آمده ، آن هم با توجیه خاص سازمان ! :

" برای اعدام مزدوران خود فروخته ای که تحت پوشش های مختلف شغلی در مناطق مختلف خود را

با محیط هم رنگ ساخته و مراکز جاسوسی و کسب اطلاعات دایر کرده اند ، واحدهای موتوری بر اساس

یک طرح مناسب عملیاتی می تواند اقدام کند .... "

بر این اساس هنگامی که در نشریه ی سازمان سخن از مراکز دشمن به میان می آید ، بلافاصله مصادیقی

مانند : مساجد و کانون های فرهنگی وابسته به آن ، کلیه ی مراکز و ساختمان های اداری نهادهای انقلابی ،

اعم از سپاه ، کمیته ی امداد امام خمینی ، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ، جهاد سازندگی و ... ذکر می شوند

تا مجاهدین خلق بدانند بمب های آتش زا و نارنجک های خود را به سوی کدام اهداف پرتاب کنند و از آزمون سازمان سر بلند خارج شوند! (۱)

---

۱. به عنوان نمونه ، ر . ک نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۳۵ ، ص ۷ \_ ۹

ج) نشریه ی مجاهد در شماره ی ۱۳۷ خود مطلبی آموزشی! در خصوص " عملیات کمین در جنگل " منتشر کرد و طی آن با تبیین اهمیت استراتژیک مناطق جنگلی شمال کشور ، روش های ترور در جنگل را به مخاطبان خود و مجاهدین سازمان ! تعلیم داده است .

در این مطلب ضمن اشاره به ترور فرماندار ژاندامری استان مازندران در مهر ماه سال ۱۳۶۱ در جاده ی کیاسر به ساری و همچنین ترور تعدادی از شهروندان مشکوک به خیانت!! در اوایل آذر ماه ۱۳۶۱ در جاده ی اتو \_ لاجیم (در جنگل های قائم شهر) از نیروهای تحت امر سازمان خواسته شده تا با شناسایی و تعیین نقاط مناسب برای کمین و یافتن زاویه ی آتش متناسب و مشخص کردن نقاط آسیب پذیر دشمن به اجرای عملیات علیه مزدوران رژیم بپردازند . (۱)

---

۱. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۳۷ ، ص ۱۸

با دقت در مطلب مذکور مشخص می شود مقصود از مزدوران رژیم ، مأموران جنگلبانی ، مأموران محیط بانی و شکاربانی ، کارگران چوب بری ، چوپانان محلی و تمامی کسانی است که به واسطه ی مشاغل خود ناگزیر از حضور در جنگل بوده و به دام نیروهای سازمان می افتادند .

د) از دیگر نمونه های تأیید و ترغیب تروریسم در ارگان سازمان مجاهدین خلق ، سلسله مطالبی با عنوان " حماسه های مجاهد خلق ، لحظه های انقلاب " است که طی آن شرح عملیات های تروریستی سازمان با قالبی نیمه داستانی به رشته ی تحریر در آمده و نویسنده یا نویسندگان آن با بهره گیری از ادبیات خاص حماسی \_ فاشیستی سازمان ، تلاش کرده اند تا ضمن دعوت مخاطبان خود به استمرار خط سازمان در

تروریسم گسترده و خونین ، به ایجاد و تقویت انگیزه در مجریان این دسته عملیات ها به وسیله ی ایجاد نفرت از قربانیان ترور و توجیه ابهامات و اشکالات احتمالی موجود در اذهان هواداران و اعضای سازمان درباره ی خط ترور و خشونت پردازند .

در شماره ی ۱۵۶ از نشریه ی مجاهد در همین قالب سعی شده تا افراد و شهروندان عادی را که هدف ترورهای کور سازمان واقع شده و می شوند ، جاسوسان نظام جمهوری اسلامی معرفی کند ! جاسوسانی که به واسطه ی خیانت به خلق ! (از طریق خیانت به سازمان و همکاری با نیروهای امنیتی!) مستحق اشد مجازات ، یعنی قتل و یا به آتش کشیده شدن محل کسب و کار و یا زندگی شده اند .

قسمت هایی از این مطلب که با تیتیر " جاسوس خمینی " در صفحه ی ۱۸ این نشریه درج شد به این شرح است :

" حاجی احمدی از مغازه اش تمام محله را زیر نظر داشت و همین که مورد مشکوکی نظرش را جلب می کرد با تلفن به کمیته ی محل اطلاع می داد و در طول فعالیتش تعدادی از هواداران و نیروهای سازمان را شناسایی کرده و باعث دستگیری و شکنجه و اعدام آنها شده بود .

حاجی در مغازه که بود اطرافش را می پایید ، حرکات مردم و مشتریان را زیر نظر می گرفت و اخبار و اطلاعات به دست آمده را به کمیته رد می کرد . سیزدهم تیر ماه سال ۱۳۶۱ حوالی ساعت ۲ بعدازظهر مغازه را تازه باز کرده بود که یک مشتری سر رسید و چند متری شیلنگ خریداری کرد و همین که در حال خروج از مغازه بود ، متوجه مردی ۲۵ ساله شد که پس از ورود به مغازه اسلحه اش را به سمت حاجی نشانه رفت .

حاجی دچار رعشه شده بود و قبل از این که بتواند عکس العملی نشان بدهد ، سوزشی در قلبش احساس کرد . مرد جوان چهار گلوله به سمت حاجی شلیک کرد و با شعار " درود بر رجوی و درود بر مجاهدین " از مغازه خارج شد و سر خیابان جلوی تویوتایی که از آنجا می گذشت را گرفت و به وسیله ی آن از محل حادثه دور شد .



در اطراف مغازه ی حاج احمدی اعلامیه هایی دیده می شد که روی آنها نوشته شده بود : خائنان به خدا و خلق را از مجازات و سلاح مجاهدین گریزی نیست ! واحد عملیاتی مجاهد شهید علی حاجیان ، نام عملیات : مجاهد شهید صادق افشار ."

• مدخلی بر کارنامه ی تروریسم سازمان مجاهدین خلق ایران

فصول آتی این نوشتار به ارائه ی کارنامه ی تروریستی سازمان مجاهدین از مقطع ورود به فاز مسلحانه در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ تا آخرین مرحله از فعالیت های تروریستی آن در سال ۱۳۷۹ اختصاص یافته است . ویژگی این فصل تکیه ی صرف بر منابع درونی سازمان و ارگان رسمی آن (نشریه ی مجاهد) خواهد بود ، چرا که سازمان به هیچ روی امکان تکذیب محتویات نشریه ی رسمی خود را ندارد و از سوی دیگر با محور قرار گرفتن نشریه ی رسمی و ارگان سازمان ، هرگونه شائبه ی غرض ورزی و یا اتهام زنی به سازمان (در حوزه ی تروریسم) منتفی می گردد .

بر این اساس جهت تدوین فصول آتی مجموعه ، نشریه ی مجاهد منتشره در حد فاصل تیر ماه ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۹ مورد مطالعه قرار گرفته و مواردی که سازمان رسماً و از طریق بیانیه ، اطلاعیه و یا خبر ، به انجام عملیات تروریستی در داخل خاک جمهوری اسلامی و علیه منافع و یا شهروندان ایرانی اعتراف نموده ، استخراج و پس از دسته بندی و تطبیق ، ارائه خواهد شد .

باید یادآوری کرد که این غربالگری در خصوص شماره ها و نسخ در دسترس نشریه ی مجاهد صورت گرفته و شامل تمامی نشریات مجاهد منتشر شده در حد فاصل تیر ماه ۱۳۶۰ تا شهریور ۱۳۷۹ نمی شود .

مطالب این فصول به شرح ذیل در سه قسمت دسته بندی و تفکیک شده است :

- فصل دوم : عملیات های تروریستی علیه شخصیت های مهم سیاسی \_ مذهبی ، چهره های مشهور .
- فصل سوم : عملیات های تروریستی علیه مسئولان و کارگزاران غیر مشهور یا کمتر مشهور و شهروندان عادی .

• فصل چهارم : عملیات های تروریستی و خرابکارانه علیه امکان و منافع جمهوری اسلامی داخل خاک ایران .

لازم به ذکر است که استناد به نشریه ی مجاهد به معنای پذیرش و صحت آمار و ارقام تلفات و نتایج عملیات های تروریستی نیست و صرفاً از جهت بر عهده گرفتن مسئولیت عملیات های تروریستی قابل استناد است .

چرا که سازمان در پاره ای اوقات برای روحیه بخشی به اعضای خود ، میزان تلفات وارده و نتایج حاصل از عملیات های تروریستی خود را به صورتی مبالغه آمیز و با ارقامی غیر واقعی مطرح ساخته است .

## « فصل دوم »

### عملیات های تروریستی علیه

#### شخصیت های سیاسی \_ مذهبی مشهور

#### ۱. عملیات تروریستی منجر به شهادت محمد کچویی (۱)

محمد کچویی متولد ۱۳۲۹ ، از چهره های مبارز قبل از انقلاب اسلامی بود و به همین دلیل در سال ۱۳۵۳ از سوی رژیم پهلوی دستگیر و به حبس ابد محکوم گردید . وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سمت مدیر زندان اوین برگزیده شد و در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۸ در زندان اوین هدف ترور یکی از عوامل سازمان به نام کاظم افجه ای قرار گرفت و به شهادت رسید .

---

۱. باید یادآوری کرد که عملیات های مورد اشاره در این فصل بر اساس تاریخ اجرای عملیات مرتب شده است .

نشریه ی مجاهد به دفعات به معرفی قاتل شهید کچویی و شرح عملیات تروریستی او پرداخته است ، از جمله در شماره های ۱۳۹۴ ، ۴۴۶ ، ۴۹۹ . به عنوان نمونه در شماره ۴۹۹ در این باره چنین آمده است :

" مجاهد قهرمان محمد کاظم افجه ای نخستین شهید مقدس عملیات فدایی مجاهدین ، پس از پیروزی انقلاب به عضویت سازمان در آمد و در اسفند ماه ۱۳۵۸ پس از مشورت با سازمان به عنوان پاسدار در زندان اوین مشغول به کار شد .

شب هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ کاظم در پایگاه محمد ضابطی و توسط او و یکی دیگر از فرماندهان مجاهد در خصوص طرح عملیات ترور سه تن از مسئولان زندان اوین ، یعنی محمد گیلانی ، لاجوردی و کچویی به صورت کامل توجیه شد .

شب هشتم تیر ماه کاظم آخرین نشست را با رابط خود انجام داد و یک سلاح کمری را به عنوان اولین سلاح سازمانی دریافت نمود . ظهر روز هشتم تیر ماه ۱۳۶۰ کاظم به نهارخوری اوین رفت و با استفاده از سلاح کمری خود محمدی گیلانی ، لاجوردی و کچویی را غافلگیر کرده و به سمت لاجوردی شلیک کرد .

در این لحظه کچویی که برای دفاع از لاجوردی خود را به روی او پرتاب کرده بود مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کاظم حین خشاب گذاری مجدد توسط مأموران زندان دستگیر شد و پس از دستگیری خود را از طبقه ی سوم ساختمان زندان به پایین پرتاب کرد . "

## ۲. عملیات تروریستی منجر به شهادت آیت الله علی قدوسی :

شهید آیت الله علی قدوسی ، متولد ۱۳۰۶ ، از شاگردان بارز حضرت امام خمینی و آیت الله طالقانی و از جمله اساتید تحول خواه و نوآور در حوزه ی علمیه ی قم بود که با تأسیس مدرسه ی شهید حقانی به یاری شهید بهشتی ، آیت الله جنتی و ... نقش مؤثری در تربیت طلاب انقلابی و آشنا به مسائل روز ایفا نمود . ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی با حکم حضرت امام ، به سمت دادستان کل انقلاب منصوب شد و در این منصب با همراهی شهید بهشتی (رئیس دیوان عالی کشور) به ساماندهی نظام قضایی پس از انقلاب و برخورد با نیروهای برانداز و تروریست پرداخت .

آیت الله قدوسی سرانجام در ۱۳۶۰/۶/۱۴ بر اثر انفجار بمب کار گذاشته شده در دفتر کار ایشان در دادستانی انقلاب مرکز، به شهادت رسید. نشریه مجاهد در شماره ۲۳۶ ضمن پذیرش مسئولیت این عملیات تروریستی چنین آورده است:

" در سال ۱۳۶۰ قدوسی جنایتکار در محل دادستانی انقلاب در چهارراه قصر توسط رزمندگان مجاهد خلق به سزای جنایت خود رسید."

#### ۴. عملیات تروریستی منجر به شهادت آیت الله مدنی:

شهید آیت الله مدنی، متولد ۱۲۹۳، از جمله شاگردان مبرز حضرت امام و از چهره های درجه ی اول مبارزه در انقلاب اسلامی بود و هدایت مردم مسلمان تبریز، همدان و خرم آباد را در طول سال های نهضت امام خمینی بر عهده داشت.

ایشان پس از ترور شهید قاضی طباطبایی (نخستین امام جمعه ی تبریز به دست گروه فرقان، از سوی امام خمینی به نمایندگی امام در آذربایجان شرقی و امامت جمعه ی تبریز برگزیده شد و سرانجام در روز جمعه ۱۳۶۰/۶/۲۰ پس از خاتمه نماز جمعه و قبل از اقامه ی نماز عصر، توسط یکی از اعضای سازمان به نام مجید نیکو ترور شد و به شهادت رسید.

نشریه ی مجاهد در چند شماره از جمله شماره ی ۴۰۶ ضمن درج نام و مشخصات قاتل شهید مدنی عملیات تروریستی مذکور را به صورت زیر شرح داده است:

" مجید نیکو در روز جمعه ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ با اقدام به عملیات فدایی موفق شد مدنی نماینده خمینی در آذربایجان و همدان را به همراه ۱۷ نفر از پاسداران و همراهانش به قتل برساند. این عملیات ابتدا قرار بود که در ۱۳ شهریور اجرا شود، اما بنا به دلایلی انجام شد و طرح یک هفته به تعویق افتاد. روز جمعه ۱۳۶۰/۶/۲۰ مجید توانست صفوف نماز جمعه و همراهان و پاسداران مدنی را شکافته و کاملاً به او نزدیک شده و دو دستش را به دور بدن مدنی حلقه کند. ناگهان صدای انفجار نارنجک ها

برخاست و با شهادت این قهرمان مجاهد خلق، مدنی در دم به هلاکت رسید و ۱۷ نفر از پاسداران و حاضران نیز کشته شدند. "

#### ۴. عملیات تروریستی منجر به شهادت هاشمی نژاد :

شهید حجت الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد متولد ۱۳۱۱، از جمله روحانیون مشهور و مبارزی بود که مبارزات انقلابی خود را هماهنگ با نهضت امام خمینی آغاز کرد و علاوه بر مبارزات سیاسی به تألیف کتب علمی \_ مذهبی و انجام سخنرانی ها و برگزاری جلسات روشنگرانه ی سیاسی و مذهبی اشتغال داشت . ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از شاخص ترین چهره های روحانی استان خراسان و شهر مشهد مسئولیت حزب جمهوری اسلامی در این استان را بر عهده گرفت و طی عملیات تروریستی طراحی شده از سوی سازمان مجاهدین در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۳۶۰/۷/۷ توسط یکی از اعضای سازمان به نام هادی علویان به شهادت رسید .

نشریه ی مجاهد طی چند شماره از جمله ۴۰۷ و ۵۱۵ به معرفی هادی علویان و شرح جزئیات عملیات تروریستی فوق پرداخته است . در شماره ی ۵۱۵ در این باره چنین آمده است :

" ساعت ۱۰ بامداد ۷ مهر ماه ۱۳۶۰، انفجار یک نارنجک در محل حزب جمهوری در مشهد، یکی از شاه مهره های خمینی را به هلاکت رساند . این عملیات قهرمانانه ی فدایی را مجاهد شهید هادی علویان به انجام رساند . هادی میلیشیایی پرشور بود که پس از اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ مأموریت یافت با نفوذ در حزب جمهوری اسلامی به کسب اطلاعات بپردازد . او توانست وارد بخش تبلیغات حزب شود و اطلاعات ارزشمندی به دست آورد . از جمله اطلاعات مربوط به یکی از روحانیون به نام کامیاب که تیم های عملیاتی سازمان پس از آن، نامبرده را به سزای اعمالش رساندند . هادی پس از موافقت سازمان با انجام عملیات انتحاری بر روی هاشمی نژاد آن را به انجام رساند. " (۱)

---

۱. لازم به ذکر است در همین مطلب به ترور یکی از روحانیون مشهد به نام کامیاب از سوی عوامل سازمان اشاره شده است .

## ۵. عملیات تروریستی منجر به شهادت آیت الله دستغیب :

شهید آیت الله سید عبدالحسین دستغیب ، متولد ۱۲۹۲ ، از مشهورترین چهره های مبارز با رژیم پهلوی و از یاران دیرینه ی حضرت امام در جنوب کشور و استان فارس محسوب می شد . ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی از جانب حضرت امام به نمایندگی امام در استان فارس و امامت جمعه ی شیراز منصوب شد و در ظهر روز جمعه ۲۰ آذر ماه ۱۳۶۰ به دست تروریستی از عوامل سازمان مجاهدین به نام گوهر ادب آواز به شهادت رسید .

نشریه ی مجاهد در چند شماره از جمله شماره ی فوق العاده ی مورخه یک شنبه ۷/۹/۷۸ و شماره ۱۳۰ به معرفی گوهر ادب آواز (قاتل شهید دستغیب) و شرح عملیات تروریستی او پرداخته است . از جمله در نشریه ی شماره ی ۱۳۰ در مطلبی با عنوان یاد ستاره ی تابناک انقلاب ، شهید مقدس و مجاهد قهرمان ، گوهر ادب آواز آورده است :

" در ظهر روز ۲۰ آذر ماه ۱۳۶۰ ، غرش مهیب انفجار بمب همراه با فریاد کین مجاهد قهرمان ، گوهر ادب آواز ، شهر شیراز و به دنبال آن تمام ایران را به لرزه در آورد و دستغیب به همراه ۱۲ تن از همراهان و پاسدارانش در آتش خشم مقدس خلق خاکستر شدند ."

همچنین در نشریه ی شماره ی ۴۱۸ در این باره چنین آمده است :

" در میان اعضا و هواداران سازمان در فارس ، تعدادی داوطلب عملیات انتحاری جهت مجازات دستغیب وجود داشت ، از جمله ۵ نفر از خواهران مجاهد به اسامی گوهر ادب آواز (به عنوان مجری عملیات) و فاطمه افراسیابی ، اعظم صیادی ، نسترن هدایتی و لیلا متوسل .

طراحی و شناسایی های لازم برای این عملیات ۴ ماه به طول انجامید تا سرانجام محلی در نزدیکی خانه ی دستغیب به عنوان محل اجرای عملیات در نظر گرفته شد ."

## ۶. عملیات تروریستی منجر به مجروحیت حجت الاسلام احسان بخش :

مرحوم حجت الاسلام احسان بخش ، از جمله چهره های نهضت امام خمینی در استان گیلان به شمار می آمد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی از جانب حضرت امام به نمایندگی امام در استان گیلان و امامت جمعه ی رشت منصوب شد .

سازمان طراحی را توسط یکی از اعضای خود به نام علی پورابراهیمی برای ترور ایشان به اجرا در آورد که منجر به مجروح شدن ایشان گردید . مرحوم احسان بخش پس از بهبودی سال ها در کسوت امامت جمعه ی رشت به خدمت اشتغال داشت و سرانجام به دیار باقی شتافت .

سازمان در چند شماره از نشریه ی مجاهد ، ضمن پذیرفتن مسئولیت این عملیات تروریستی به معرفی مجری آن و شرح عملیات پرداخت ، از جمله در نشریه ی شماره ی ۴۸۶ آمده است :

" ساعت یک بعدازظهر پنج شنبه ، ۲۶ فروردین سال ۱۳۶۱ غریو انفجاری در مرکز رشت طنین انداز شد ، هدف عملیات احسان بخش نماینده ی خمینی در گیلان بود . در این عملیات مقدس انتحاری مجاهد قهرمان ، علی پورابراهیمی توانست با حضور در مسجد کاسه فروشان شهر رشت و رساندن خود به احسان بخش ضامن نارنجک همراه خود را کشیده و دست های خود را به دور بدن احسان بخش حلقه کند . در این عملیات احسان بخش به شدت مجروح شد و شماری از اطرافیان و پاسداران از پای در آمدند ."

## ۷. عملیات تروریستی منجر به شهادت آیت الله صدوقی :

شهید آیت الله صدوقی متولد ۱۲۸۷ ش . در زمره ی نزدیک ترین یاران و همراهان حضرت امام خمینی از ابتدای نهضت اسلامی بود و رهبری و هدایت مبارزات انقلابی مردم استان یزد را بر عهده داشت .

ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی از جانب حضرت امام به نمایندگی ایشان در استان یزد و امامت جمعه ی شهر یزد منصوب شدند . سازمان مجاهدین طرح ترور ایشان را به وسیله ی یکی از هواداران خود به نام محمد رضا ابراهیم زاده به اجرا درآورد و مسئولیت این عملیات را در چند شماره از نشریه ی مجاهد از جمله

۳۹۶ و ۴۴۶ بر عهده گرفت . در نشریه ی مجاهد شماره ی ۴۴۶ در خصوص اجرای این عملیات تروریستی چنین آمده است :

" در طنین انفجاری که ظهر روز ۱۱ تیر ماه ۱۳۶۱ توسط عمل مقدس انتحاری مجاهد قهرمان محمد رضا ابراهیم زاده صورت گرفت ، آخوند صدوقی به مجازات رسید و برگ زرینی بر کارنامه ی پر افتخار از خود گذشتگی های مجاهدین افزوده شد .

محمد رضا ابراهیم زاده از مدت ها قبل آمادگی خود را برای شرکت در این عملیات اعلام نموده و ۲۰ روز پیش از اقدام به این عملیات در نامه ای به برادر مجاهد مسعود رجوی برای انجام این عملیات اعلام آمادگی کرده بود ."

در نشریه ی شماره ۳۹۶ در خصوص این عملیات چنین آمده است :

" محمد رضا از اواخر خرداد ۱۳۶۱ شناسایی ها و کسب آمادگی لازم برای انجام طرح اعدام انقلابی صدوقی را آغاز کرد و سرانجام روز موعود فرا رسید و محمد رضای قهرمان صبح روز جمعه ۱۱ تیر ماه ۱۳۶۱ به سوی میدان نبرد شتافت ."

#### ۸. عملیات تروریستی منجر به شهادت آیت الله اشرفی اصفهانی :

آیت الله عطاء الله اشرفی اصفهانی ، متولد ۱۲۸۱ ش ، از جمله یاران دیرین حضرت امام در طول مبارزات انقلاب اسلامی به شمار می رفت که هدایت و هماهنگی نیروهای مبارز در منطقه ی غرب کشور و کرمانشاه را بر عهده داشت .

ایشان پس از پیروزی انقلاب با حکم حضرت امام به نمایندگی امام در استان باختران (کرمانشاه فعلی) و امامت جمعه ی آن شهر منصوب گردید . طرح ترور آیت الله اشرفی اصفهانی در روز جمعه ۱۳۶۱/۷/۲۳ توسط یکی از اعضای سازمان مجاهدین به نام محمد حسین خداکرمی به اجرا در آمد .

سازمان در چند شماره از نشریه ی مجاهد از جمله نشریه ی شماره ی ۴۰۹ مسئولیت این عملیات تروریستی را بر عهده گرفت . در نشریه ی شماره ی ۴۰۹ درباره ی این عملیات چنین آمده است :



" محمد حسین کرمی با اقدام به عملیات مقدس انتحاری آخوند اشرفی اصفهانی را مجازات کرد . رأس ساعت ۱۵ : ۱۲ ظهر محمد حسین با پریدن از روی نرده ها خود را به اشرفی اصفهانی رساند و با شعار درود بر رجوی به سوی او رفت و در حالی که صحنه بر هم ریخته بود ، ناگهان صدای انفجار بلند شد . "

#### ۹. عملیات تروریستی منجر به شهادت سید اسدالله لاجوردی :

حاج سید اسدالله لاجوردی ، متولد ۱۳۱۴ ، از جمله مؤسسين جمعیت مؤتلفه ی اسلامی بود که از ابتدای نهضت حضرت امام خمینی در سال ۱۳۴۲ ، به مبارزه با طاغوت پرداخت و سه بار از سوی عوامل رژیم پهلوی بازداشت شد و بیش از ده سال در زندان ها و سیاه چاله ها ، سخت ترین شکنجه ها را تحمل کرد . وی در سال ۱۳۵۶ از زندان آزاد و با وجود آسیب های فراوانی که به واسطه ی شکنجه بر او وارد آمده بود ، با همراهی شهید مطهری و شهید بهشتی به استمرار مبارزه با نظام پهلوی و ترویج و تبلیغ خط مشی حضرت امام پرداخت . به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی لاجوردی با هدایت شهید بهشتی ، مسئولیت دادستانی انقلاب تهران را بر عهده گرفت و با توجه به شناخت عمیقی که در طول سال های زندان از ماهیت سازمان مجاهدین خلق و انحرافات آن به دست آورده بود ، به سازماندهی مبارزه با خط نفاق پرداخت و طی سه سال مبارزه ی پیگیر و همه جانبه ، موفق به ریشه کنی سازمان مجاهدین خلق و بقایای آن شد . روش ایشان هدایت هواداران و عوامل پایین دستی سازمان و آگاه سازی آنان در خصوص انحرافات و تناقض های درونی سازمان و برخورد قاطعانه با نیروهای اصلی و بنیان تروریسم در سازمان بود . به دنبال خاتمه غائله ی سازمان مجاهدین و برقراری آرامش نسبی در فضای کشور ، شهید لاجوردی به زندگی عادی خویش بازگشت تا اینکه در زمان ریاست آیت الله محمد یزدی بر قوه قضاییه ، مسئولیت سرپرستی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی کشور را بر عهده گرفت و چندین سال در این مسئولیت به ایجاد تحول در زندان ها و بهسازی وضعیت زندانیان پرداخت .

به دنبال بروز مسائلی ، لاجوردی از ادامه همکاری با قوه قضاییه بازماند و مجدداً به زندگی عادی بازگشت و از آنجا که هیچ گاه به استخدام دولتی در نیامده بود ، جهت امرار معاش به تولید و فروش پوشاک در بازار تهران مشغول شد .

سازمان مجاهدین خلق که کینه بسیار شدیدی از ایشان و عملکرد قاطعانه و انقلابی شان در برخورد با عوامل اصلی سازمان در داخل کشور ( مانند موسی خیابانی ، اشرف ربیعی ، محمد ضابطی و ... ) داشت و در تبلیغات خود از ایشان با عنوان " سر جلاد اوین " یاد می کرد ، طرحی را به منظور ترور ایشان به اجرا در آورد .

بنا به مندرجات شماره ی ۴۵۳ نشریه ی مجاهد ، مورخ ۷۸/۵/۲۶ ، یکی از عوامل سازمان به نام علی اکبر اکبری در تاریخ ۷۷/۶/۱ با حضور در بازار تهران به سوی لاجوردی که در مغازه ی خود مشغول به کار بود ، آتش گشود و ایشان و یکی از دوستانشان - که در مغازه حاضر بود - را به شهادت رساند . نخستین اطلاعیه ی سازمان در اینباره ، در نشریه ی مجاهد ، شماره ی فوق العاده ، مورخه ی ۱۳۷۷/۶/۳ منتشر شد . در این اطلاعیه چنین آمده است :

" حوالی ظهر امروز واحدهای عملیاتی اشرف رجوی و موسی خیابانی با جسارت و عزمی خارق العاده ، از چند سو حلقه ی محافظان تا دندان مسلح سر دژخیم اوین را با چند درگیری شکافتند و لاجوردی - سرجلاد اوین - را در حالی که از سوی یک گروه ویژه از پاسداران مسلح و مأموران وزارت اطلاعات رژیم حفاظت و اسکورت می شد ، کیفر دادند و به هلاکت رساندند . در این عملیات ، یکی از محافظان لاجوردی کشته و چند تن دیگر زخمی شدند "

ذکر این نکته ضروری است که شهید لاجوردی فاقد هر گونه محافظ و یا تیم حفاظتی بود و همان گونه که اشاره شد ، یکی از دوستان ایشان که در لحظه ی ترور در مغازه حاضر بود ، به همراه ایشان به شهادت رسید و تعدادی از رهگذران و مردم عادی نیز مجروح شدند که در اطلاعیه ی سازمان از آنها به عنوان محافظان شهید لاجوردی یاد شده است .

## ۱۰. عملیات تروریستی منجر به شهادت سپهبد صیاد شیرازی :

امیر سپهبد علی صیاد شیرازی ، متولد ۱۳۲۳ ، از جمله نظامیان مؤمن و معتقدی بود که در عین خدمت در ارتش با رژیم شاهنشاهی نیز به شکل مخفیانه مبارزه می کرد و در این مسیر تا آستانه بازداشت نیز پیش رفت .

پس از پیروزی انقلاب ، او با هدف سرکوب تجزیه طلبان و نیروهای ضد انقلاب به کردستان رفت و با یاری شهید چمران ، موفق به برقراری امنیت در این خطه گردید . عملکرد او باعث شد تا از سوی بنی صدر که در آن مقطع فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری را بر عهده داشت ، خلع درجه و از ارتش اخراج گردد .

پس از عزل بنی صدر ، با حکم حضرت امام به فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی منصوب و تا سال ۱۳۶۵ در این سمت به ایفای وظیفه پرداخت و پس از آن تا انتهای جنگ به عنوان نماینده ی حضرت امام در شورای عالی دفاع ، تمامی اوقات خود را وقف دفاع مقدس نمود .

پس از رحلت حضرت امام از سوی آیت الله خامنه ای ، فرمانده کل نیروهای مسلح ، به سمت جانشین رئیس ستاد نیروهای مسلح منصوب شد و در عید غدیر سال ۱۳۷۷ درجه سرلشکری را از دست ایشان دریافت کرد .

سازمان مجاهدین خلق که ظاهراً در فروردین سال ۱۳۶۱ نیز طرحی را برای ترور صیاد شیرازی به اجرا گذاشته و ناکام شده بود ، با ارسال دو نفر از عوامل خود به درب منزل ایشان در ساعت ۶:۴۵ صبح شبانه ۷۸/۱/۲۱ ، طرح ترور دیگری را به اجرا گذاشت که به شهادت این امیر سرافراز سپاه اسلام انجامید .

سازمان مجاهدین خلق در همان روز با انتشار اطلاعیه ای در سایت رسمی سازمان مسئولیت این ترور را بر عهده گرفت . همچنین در نشریه مجاهد ، مورخه ی ۱۳۷۸/۱/۲۱ که به صورت فوق العاده منتشر شد نیز با عبارت " قاتل مجاهدین در عملیات فروغ جاویدان ، جلاد مردم کردستان ، عامل تصفیه و اعدام پرسنل مردمی ارتش و جانشین رئیس ستاد کل قوای مسلح رژیم آخوندی ، سر لشکر بسیجی صیاد شیرازی کیفر یافت " ، مسئولیت این عملیات تروریستی را پذیرفت . در شماره ی ۴۸۴ نشریه ی مجاهد مورخه ی ۷۸/۱۲/۲۴ نیز در خصوص این عملیات تروریستی چنین آمده است :

" واحدهای عملیاتی مجاهدان قهرمان ، مهین رضایی ، علی زرکش ، محمد معصومی ، اصغر زمان وزیری ، محسن تدینی و رضا پورآگل ، سرلشکر بسیجی صیاد شیرازی را در منطقه ی کامرانیه در شمال تهران به دام انداخته و طی عملیاتی به یاد مجاهد شهید طاهره طلوع ، وی را به هلاکت رساندند و قهرمانان مجاهد خلق سالم به پایگاه های خود بازگشتند " .

## « فصل سوم »

### عملیات های تروریستی علیه

#### مسئولان رده های میانی نظام و شهروندان عادی

بدون تردید ، انجام عملیات های تروریستی علیه مسئولان و وابستگان به نظام جمهوری اسلامی در رده های مختلف در نهادها و دستگاه های مختلف (اعم از لشکری و کشوری) و شهروندان عادی و بی دفاع جمهوری اسلامی ، بیشترین حجم از فعالیت های نظامی سازمان مجاهدین خلق را به خود اختصاص داده است . این امر به دو دلیل عمده رخ داده است : نخست در دسترس بودن مسئولان میانی و اعضای سازمان ها ، نهادها و ارگان های دولتی و انقلابی به نسبت مسئولان رده بالای نظام که به دلیل عدم برخورداری از حفاظت به آسانی هدف تیم های ترور سازمان قرار می گرفتند و دیگر انجام ترورهای کور از سوی واحدهای ترور سازمان قرار می گرفتند .

انجام ترورهای کور از سوی واحدهای ترور سازمان که به هدف زنده نگه داشتن نام سازمان و بزرگ نمایی آن و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و علاقه مندان نظام جمهوری اسلامی صورت می گرفت . در اینگونه عملیات ها صرفاً هدف انجام ترور بود و این که قربانی ترور چه رده و یا شخصی باشد ، اهمیت نداشت . از این رو عمده ی قربانیان این ترورهای کور ، مردم عادی و شهروندان بی دفاع و رهگذران و یا صاحبان کسب و پیشه ای بودند که صرفاً به دلایلی مانند نصب تصاویر حضرت امام خمینی و یا سایر مسئولان نظام در مغازه و یا محل کسب خویش و یا حضور در اماکنی مانند روبروی مسجد و یا پایگاه های

بسیج ، سپاه ، کمیته های انقلاب ، دادستانی و ... و یا به علت داشتن قیافه و ظاهر حزب اللهی هدف قرار می گرفتند .

هر چند در میان قربانیان موج ترورهای کور منافقین مواردی وجود دارند که حتی فاقد یکی از خصوصیات پیش گفته بوده و تنها به دلیل افزایش آمار " سوختگان به خشم مجاهدین خلق " قربانی خشونت مجاهدین خلق شده اند .

در این میان نکته ی جالب توجه این است که سازمان بسیاری از قربانیان خود را فقط در حد اسم و رسم می شناخته و از این رو در برخی اوقات ، مسئولیت و یا ارگان و نهاد محل خدمت قربانیان خویش را به غلط ذکر نموده است و جالب تر این که سازمان حتی نام و نشان برخی از قربانیان ترورهای کور خود را نمی دانسته و در چنین مواقعی با تعبیری نظیر : یکی از وابستگان رژیم و ... از قربانیان خود نام برده است .

۱. **نشریه ی مجاهد در صفحه ی ۲۰ شماره ی ۱۲۹** خود در توجیه هواداران و اعضای سازمان برای انجام عملیات های کور ترور ، در مطلبی با عنوان « واضربوا منہم کل بنان ، سرانگشتان رژیم را در هر کجای قطع کنید » چنین آورده است :

" از جمله روش های رژیم ، استقرار جاسوس ها و خبرچین ها در کوچه و خیابان ها تحت پوشش های مختلف است تا به کسب اطلاعات و جمع آوری اخبار برای شناسایی و تعقیب مجاهدین پردازند . وظیفه ی اصلی این جاسوسان مزدور ، ردیابی و کسب خبر در خصوص مجاهدین و پایگاه های آنها است و در صورت برخورد با چنین مواردی ، اطلاعات خود را در اختیار سپاه ، بسیج و کمیته ها قرار می دهند .

آنها برای عادی جلوه دادن حضورشان در محله ها ، اغلب از محمل ها و پوشش های کاری و شغلی استفاده می کنند ، مثلاً با زدن دکه ی سیگار فروشی ، پهن کردن بساط و یا فروش سایر اجناس برای مدتی در یک خیابان یا محله مستقر می شوند ، گاهی نیز بساط جاسوسی و خیانت خود را در یک مغازه ای اجاره ای و یا در دکان های افراد وابسته به رژیم پهن کرده و آنجا را تبدیل به پایگاه های اطلاعاتی خود می کنند .

عوامل سپاه و کمیته ها ، معمولاً با این عده در تماس بوده و در صورت لزوم پاسداران و کمیته چپ ها برای محاصره و یا حمله به یک پایگاه مجاهدین ، از مغازه ی آنها استفاده می نمایند . این سرپنجمان اختناق و خفقان علیرغم این که کوشش می کنند شناخته نشوند ، به هیچ وجه از دید رزمندگان مجاهد خلق مخفی نمانده و جزای اعمال ننگین و کثیفشان را دیر یا زود اما سخت و بی امان دریافت خواهند کرد " .

بر این اساس سازمان بدون پرده پوشی ، موارد و نمونه هایی از ترور شهروندان بی دفاع و عادی ایرانی را در ارگان خود ذکر کرده و از این عملیات های تروریستی با عناوینی مانند " اعدام انقلابی " و " آتش قهر خلق " یاد نموده است .

این فصل به بازنمایی این موارد اختصاص یافته که بر اساس تاریخ انتشار نشریه ی مجاهد استخراج گردیده است . همانگونه که در گذشته نیز اشاره شد ، تنها جنبه ی سندیت اطلاعات به دست آمده از نشریه ی مجاهد ، بر عهده گرفتن مسئولیت عملیات های تروریستی است و تعداد قربانیان ، مسئولیت آنان و نحوه ی ترور مورد استناد قرار نگرفته اند و مشخصات قربانیان بر اساس اطلاعیه ها و اخبار سازمان مجاهدین درج گردیده که در برخی موارد ، مشخصات قربانیان ناقص بوده و یا حتی فاقد مشخصات بوده اند . (موارد نقص اطلاعات درون پرانتز آمده است )

*الف) عملیات ترور ابوالفضل خوشرو ، میوه فروش ، خیابان شکوفه ی تهران :*

" واحد عملیاتی مجاهد شهید مرتضی دانش طی عملیاتی با نام مجاهد شهید حسین تحصیلی ، پس از شناسایی ابوالفضل خوشرو ، مزدور جاسوس که تحت پوشش میوه فروش در زمینه ی جمع آوری اطلاعات علیه مجاهدین فعالیت داشت ، وی را در پایگاه جاسوسی اش در خیابان شکوفه به دام انداخته و سپس با شلیک چند گلوله به هلاکت می رساند " . (تاریخ ترور معلوم نیست)

ب) عملیات ترور یمینی (بدون نام) ، آرایشگر ، خیابان تیموری تهران :

" واحد عملیاتی مجاهد شهید سعید شیرین زاده ، روز پنجشنبه ۱۸ شهریور ماه ۱۳۶۱ ، طی عملیاتی با نام مجاهد شهید طاهره نقدی ، یکی از پاسداران رژیم به نام یمینی که در پوشش یک مغازه ی آرایشگری به جاسوسی برای رژیم اشتغال داشت ، به دام انداخته و وی را در دم به هلاکت رسانده و با انفجار یک بمب قوی پایگاه جاسوسی وی (مغازه آرایشگری) را نیز منهدم نموده و سپس منطقه ی عملیات را به سلامت ترک می نماید " .

ج) عملیات ترور عباس سوکتی (شغل نامعلوم) مجیدیه ی تهران :

" واحد عملیاتی مجاهد شهید حسن قدس ، در ساعت ۷:۱۰ بعدازظهر روز شنبه ۱۳۶۱/۶/۲۷ ، طی عملیاتی به نام مجاهد شهید احمد خطیر یکی از جاسوسان فعال و مزدوران سرسپرده ی رژیم به نام عباس سوکتی را با رگبار مسلسل به هلاکت رسانده و پایگاه جاسوسی او (مغازه اش) را با انفجار بمب ضربه ای منهدم نمودند " .

د) عملیات ترور دو شهروند، بدون مشخصات ، نارمک تهران :

" واحد عملیاتی شهید ناصر رحمانی ، در روز چهارشنبه ۱۳۶۱/۶/۱۷ طی عملیاتی به نام مجاهد شهید علی صبوری ، دو تن از مزدوران رژیم را در نارمک به سزای اعمال خیانت کارانه شان رساندند و اعدام انقلابی نمودند " .

(هیچ مشخصه ای از این دو قربانی ترور در اطلاعیه ی سازمان ذکر نشده است!)

ه) عملیات ترور صفاری (بدون نام و شغل ، محل ترور نامعلوم) و دو شهروند دیگر (بدون مشخصات) :

" در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۲۲ یکی از مزدوران رژیم به نام صفاری طی عملیاتی با نام شهید مهدی توکلی ، توسط رزمندگان مجاهد ، به هلاکت رسیده و همچنین دو تن از مزدوران و فالانترهای محل که به خیال

خود قصد دستگیری مجاهدین را داشتند نیز مورد تهاجم واقع شدند که یکی از آن دو نفر کشته و دیگری زخمی می شود".

(و) عملیات ترور دو شهروند (بدون مشخصات) خیابان کشتارگاه تهران :

" روز پنجشنبه ۱۳۶۱/۶/۲۵ ، واحد عملیاتی شهید بهرام فارسی ، دو تن از جاسوسان و خبرچینان رژیم ضد بشری را در خیابان کشتارگاه با گلوله های آتشین خود هدف قرار داده و به هلاکت رساندند "

(ز) عملیات ترور یک شهروند بدون مشخصات ، نارمک تهران :

" واحد عملیاتی مجاهد شهید محمد ناصر آموزگار در عملیاتی به نام مجاهد شهید علی اکبر زراعت پیشه در خیابان نارمک ، یکی از عناصر بسیج را به سزای خبرچینی و جاسوسی هایش به هلاکت رساندند . این عملیات در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۳۰ انجام گرفت "

## ۲. نشریه ی مجاهد شماره ۱۳۲

(الف) عملیات ترور سید جواد هزاوه ای (شغل نامعلوم) منطقه ی منوچهری همدان :

" یکی از واحدهای موتورری رزمندگان مجاهدین خلق در ساعت ۶ بعدازظهر ۱۳۶۱/۹/۹ ، سید جواد هزاوه ای ، فرمانده بسیج ضد خلق منطقه ی منوچهری همدان را در یکی از مسیرهای ترددش به دام انداخته و با شلیک گلوله به هلاکت می رسانند و سالم به پایگاه خود باز می گردند "

(ب) عملیات ترور عباس افتخاری ، شیشه بر ، همدان :

" در ساعت ۴:۳۰ بعدازظهر روز ۱۳۶۱/۹/۱۰ یگی از واحدهای عملیاتی مجاهد خلق ، عباس افتخاری ، از سرسپردگان شناخته شده ی خمینی در همدان را در پایگاهش (که تحت پوشش یک مغازه یک مغازه ی شیشه بری بود) غافلگیر کردند و با شلیک چند گلوله به سزای جنایاتش رساندند "



ج) عملیات ترور هفت نفر از شهروندان (بدون مشخصات) جاده ای/ اتو - لاجیم قائم شهر :

" در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۱ یک واحد از رزمندگان مجاهد خلق در جاده ای اتو - لاجیم (از جاده های جنگلی قائم شهر) بر سر راه مزدوران کمین گذاشتند و هنگام عبور ماشین مزدوران ، آنها را به دام انداختند و بلافاصله آتش رگبار مسلسل های خود را بر روی آنها گشودند که در اثر آن دو نفر از مزدوران به هلاکت رسیدند و پنج نفر دیگر مجروح و به بیمارستان منتقل گردیدند "

د) عملیات ترور غلام حسین زحمت کش و عبدالحسین حق شناس ، از مسئولان بنیاد مسکن استان گیلان ، خیابان منتظریه ی رشت :

" واحد عملیاتی مجاهدین بر اساس شناسایی قبلی ، در ساعت ۲ و ۱۰ دقیقه بعد از ظهر ۱۳۶۱/۹/۲۴ ، اتومبیل تویوتای حامل مزدوران را به دام انداخته و پس از سد کردن راه آن ، رگبار آتش خود را به سوی آنها می گشایند که در نتیجه دو نفر از مسئولان درجه ی اول این بنیاد غارت و جنایت به نام های آخوند مزدور غلام حسین زحمت کش ، مسئول کارگاه های تولیدی و مصالح و عبدالحسین حق شناس ، مسئول تدارکات بنیاد در گیلان اعدام انقلابی شده و یک مزدور دیگر به نام احمد قاسم زاده به شدت زخمی شده و نفر چهارم موقتاً از دست رزمندگان مجاهد خلق جان سالم به در می برد "

ه) عملیات ترور شقایق آذر (بدون نام) سرهنگ ژاندارمری و همراهان (مشخصات همراهان نامعلوم) ، جاده ی کیاسر به ساری :

" در اواخر مهر سال ۱۳۶۱ در یک عملیات کمین در جاده ی کیاسر به ساری فرمانده سرکوبگر ژاندارمری مازندران به نام سرهنگ شقایق آذر و همراهان به دام رزمندگان مجاهد خلق افتادند و اکثر آنها به هلاکت رسیدند " . (تعداد همراهان و تلفات دقیق قربانیان ترور مشخص نشده است)

### ۳. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۳۳

الف) عملیات ترور فرماندار و نماینده ی شهر کرد (بدون ذکر مشخصات محل و تاریخ دقیق ترور) مشهد :  
" یکی از رزمندگان میلیشیای مجاهد خلق متوجه می شود که تعدادی از سردمداران جنایتکار رژیم ، من جمله فرماندار و نماینده ی شهر کرد در مجلس ضد خلقی به مشهد آمده و در نزدیکی پایگاه وی اقامت کرده اند . او در یک موقعیت مناسب هنگامی که آنها از خانه بیرون آمده و برای سوار شدن به اتومبیل در بیرون خانه جمع شده بودند ، ضامن نارنجک را کشیده و به میان آنها پرتاب می کند که نارنجک با صدای مهیبی منفجر می شود " . (۱)

---

۱. این مطلب در صفحه ی ۱۱ شماره ۱۳۳ به عنوان نمونه ی مطلوبی از عملیات بزرگ با امکانات محدود ذکر شده است ، تاریخ احتمالی ۱۳۶۰ .

### ۴. نشریه مجاهد ، شماره ی ۱۳۴

الف) عملیات ترور اکبر دهقانی زمانی ، همافر نیروی هوایی ، خیابان دامپزشکی تهران :  
" طی یک عملیات متهورانه در بعدازظهر روز ۱۳۶۱/۹/۱۶ ، هنگامی که مزدور فوق در حال عبور از خیابان دامپزشکی بود ، از سوی مجاهدین تعقیب می شود و در حین فرار به وسیله گلوله های آتشین آنها در دم به هلاکت می رسد " .

ب) عملیات ترور داود ناظم البکاء (شغل نامعلوم) و یک شهروند (بدون مشخصات) خیابان بابایی تهران :  
" در تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱ ، دو تن از رزمندگان واحد عملیاتی مجاهد شهید مرتضی دانش ، داود ناظم البکاء ، معروف به داود بکایی را که علیرغم اخطارهای مکرر مبنی بر عدم همکاری با مزدوران ضد بشری خمینی ، همچنان به جاسوسی و خوش خدمتی ادامه می داد ، در حوالی خیابان بابایی شناسایی کرده

و با شلیک چند گلوله به جزای اعمالش رساندند. در ضمن رزمندگان پس از خاتمه ی این عملیات یک عنصر مزدور کمپته چی را نیز با رگبار مسلسل به هلاکت رساندند."

ج) عملیات ترور حاج قانع (بدون نام و شغل نامعلوم)، نارمک تهران:

"در تاریخ ۱۳۶۱/۸/۸ واحد عملیاتی مجاهد شهید حسن اقدسی، بر اساس شناسایی قبلی حاج قانع، یکی از سرسپردگان شناخته شده ی خمینی در منطقه ی نارمک را در پایگاه جاسوسی اش غافلگیر کردند و با شلیک گلوله های آتشین به سزای جنایاتش رساندند."

(مقصود از پایگاه جاسوسی احتمالاً مغازه ی قربانی ترور است)

د) عملیات ترور تعدادی از پاسداران (مشخصات و تعداد نامعلوم) خیابان بزرگمهر اصفهان:

"در مهر ماه ۱۳۶۱، یکی از واحدهای هسته ی مقاومت مسلحانه ی مجاهد شهید حسین علی ایزدی موفق می شود با حمله به یک واحد از پاسداران در خیابان بزرگمهر اصفهان، حداقل یکی از پاسداران مزدور را به هلاکت رسانده و بقیه ی مزدوران را زخمی نموده، سالم به پایگاه خود مراجعت نمایند."

ه) عملیات ترور اصغر کمالی (شغل نامعلوم) خیابان شریف واقفی اصفهان:

"یکی دیگر از واحدهای عملیاتی هسته ی مقاومت شهید حسین علی ایزدی در خیابان شریف واقفی اصفهان، اصغر کمالی از مزدوران خمینی را به هلاکت رساندند و سالم به پایگاه خود بازگشتند."

(تاریخ ترور نامعلوم)

و) عملیات ترور یک شهروند (بدون مشخصات):

"در جاده زینبیه - طوقچی اصفهان یک مزدور بسیج ضد خلقی مورد تهاجم یک واحد عملیاتی قرار گرفته و در دم به سزای جنایتش می رسد". (تاریخ ترور نامعلوم)

ز) عملیات ترور محمد شهری ، پاسدار ، باغ ملی شهرضا :

" واحد عملیاتی مجاهد شهید احمد بحرینی ، طی عملیاتی به نام مجاهد شهید حسن فاضل ، در مرداد ماه ۱۳۶۱ ، در باغ شهرضا اتومبیل حامل آخوند مزدور نیای فرماندار سپاه شهرضا و معاونش را زیر رگبار آتشین خود قرار دادند که طی این عملیات ، معاون سپاه پاسداران ضد خلقی شهرضا به نام محمد شهری به هلاکت رسید ، ولی آخوند نیای موقتاً از دست نیروهای مجاهد جان سالم به در برد "

### ۵. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۳۵

در صفحه ی ۱۵ این نشریه در مطلبی به عنوان " گذری کوتاه بر زندگی شهید سعید عزیزی (بهمن) ، یکی از فرماندهان دلاور تیم های عملیاتی مجاهدین خلق " ، به شرح چندین عملیات تروریستی که توسط فرد مذکور (سعید عزیزی) انجام شده پرداخته است ، این عملیات ها عبارتند از :

الف) ترور محمد علی عهدی ، معاون وزیر صنایع و برادرش محمد رضا عهدی .

(بدون ذکر تاریخ ، نتیجه و مکان ترور)

ب) ترور آیت الله باقری کنی ، از مسئولان کمیته ی انقلاب اسلامی که منجر به وارد آمدن تلفات و خساراتی به محافظین وی گردید . (بدون ذکر تاریخ ، مکان و تعداد قربانیان ترور)

ج) ترور سرهنگ حجازی ریاست کل شهربانی جمهوری اسلامی که منجر به قتل محافظین وی گردید . (بدون ذکر تاریخ ، محل و قربانیان ترور)

هـ) ترور دو روحانی (بدون مشخصات) که پیش نماز مساجد غرب تهران بوده اند .

(بدون ذکر تاریخ ، محل و نتایج ترور)

(و ترور جواد منصوری ، معاون کنسولی وزارت امور خارجه ، میدان هفت تیر تهران ، تاریخ ۱۳۶۱/۱/۲۰ .

در این عملیات منصوری و یکی از محافظین وی مجروح می شوند و راننده ی نامبرده به قتل می رسد)

در صفحه ی ۷ همین نشریه و در مطلبی با عنوان " از سری تجربیات رزمندگان مجاهد خلق " ، به تشریح و توصیف تعدادی از عملیات های تروریستی انجام گرفته از سوی واحدهای عملیاتی سازمان پرداخته می شود . این عملیات ها عبارتند از :

الف) ترور ناصر شریفی تبار ، عضو حزب جمهوری اسلامی همدان . در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۵ ، ساعت ۷ شب یک واحد عملیاتی موتور سوار پس از کمین در مقابل محل کار نامبرده وی و پاسدار همراهش را به رگبار می بندد که هر دو به قتل می رسند . شریفی تبار قبلاً چندین بار ترور شده و جان سالم به در برده بود .

ب) ترور دو نفر از اعضای کمیته ی انقلاب اسلامی (بدون مشخصات) خیابان گرگان تهران :

" واحد عملیاتی شهید سعید صفا بخش ، در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۸ ساعت ۱:۴۰ بعدازظهر ، در خیابان گرگان به سمت واحد گشت کمیته آتش گشودند که در نتیجه یکی از اعضای گشت کشته و نفر دیگری زخمی می شود و دو عضو واحد عملیاتی به سلامتی به پایگاه خود باز می گردند " .

ج) ترور منصور آرتوشیت (بدون ذکر شغل) چهارراه قصر ، تهران :

" ساعت ۹:۳۰ صبح مورخه ی ۱۳۶۰/۹/۵ واحد عملیاتی در حوالی چهارراه قصر ، منصور آرتوشیت را مشاهده می کنند و با شلیک دو گلوله این مزدور را به هلاکت می رسانند و سالم به پایگاه خویش باز می گردند " .

در صفحه ی ۱۳ این شماره از نشریه ی مجاهد ، مطالبی با عنوان " بیلان عملیات نظامی یکی از هسته های مقاومت " چنین آمده است :

" هسته ی مقاومت مسلحانه ی شهید علیرضا گوهریان بیلان عملیات چند ماه اخیر خود را به شرح زیر اعلام می دارد :

الف) حمله با بمب به نمایشگاه فرهنگی سپاه ضد خلقی ، واقع در چهارراه قادری که منجر به هلاکت یک مزدور و زخمی شدن دو نفر دیگر می شود. (بدون ذکر مشخصات قربانیان و مکان دقیق)

ب) ترور یکی از عناصر بسیج ضد خلقی در خیابان ۲۴ متری و به هلاکت رسیدن وی در مورخه ی ۱۳۶۱/۸/۲۲ . (بدون ذکر مشخصات قربانی و مکان دقیق)

ج) ترور عبدالحمید نقدی (شغل نامعلوم) مسجد سلیمان :

در شهریور ماه ۱۳۶۱ عبدالحمید نقدی مورد تهاجم یکی از واحدهای عملیاتی قرار گرفت و به شدت زخمی می شود . (بدون ذکر تاریخ دقیق)

د) تهاجم به یکی از پایگاه های کمیته (بدون ذکر مکان) در ۱۳۶۱/۷/۱۲ که منجر به هلاکت و زخمی شدن تعدادی از مزدوران می گردد . (بدون ذکر مشخصات و تعداد قربانیان و نتایج ترور )

## ۶. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۳۶

الف) عملیات ترور محسن معینی ، عضو دادستانی (مکان نامعلوم) :

" در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۸ محسن معینی ، سراکیپ یکی از گروه های ویژه ی ضربت دادستانی زندان اوین ، به دست هسته های مقاومت مسلحانه ی مجاهد خلق اعدام انقلابی شده و در دم به هلاکت رسید "

ب) در سرمقاله ی همین شماره از نشریه ی مجاهد که در صفحه ی نخست آن به چاپ رسیده ، علی زرکش (معاون وقت مسعود رجوی و مسئول عملیات نظامی سازمان در ایران) طی گزارشی نتیجه ی ترورها و عملیات های انجام گرفته از سوی سازمان طی شش ماهه ی تابستان و پاییز ۱۳۶۱ را کشته شدن بیش از یک هزار نفر از ایادی رژیم جمهوری اسلامی در رده های مختلف عنوان نموده است .

## ۷. نشریه ی مجاهد شماره ی ۱۳۷

الف) عملیات ترور حاج عبدالحسین رضایی ، امام جماعت ، جاده ی بی بالان رودسر :

" مقارن ساعت ۵:۲۵ عصر جمعه ۱۳۶۱/۱۰/۲۴ یک واحد از رزمندگان مجاهد طی یک طرح کمین در جاده ی بی بالان رودسر ، اتومبیل حامل آخوند حاج عبدالحسین رضایی را به دام انداخته ، مزدور فوق به وسیله ی گلوله های آتشین مجاهدین به هلاکت می رسد . عبدالحسین رضایی امام جماعت مسجد بی بالان رودسر و از فعالیت دفتر تبلیغات اسلامی و ستاد بهزیستی کشور بود "

## ۸. نشریه ی شماره ی ۱۳۸

الف) عملیات ترور دو شهروند (بدون مشخصات) چهارراه میکائیل رشت :

" ساعت ۸:۳۰ صبح پنجشنبه ۱۳۶۱/۷/۲۲ ، یکی از واحدهای عملیاتی محله ی ساغری سازان رشت ، در یک تهاجم دلیرانه دو تن از جاسوسان خمینی را در پایگاه جاسوسی شان در چهارراه میکائیل به دام انداخته ، با شلیک چند گلوله طعم آتش سلاح مجاهد را به آنها چشانید "

ب) تهاجم به یک مرکز مربوط به جنگ زندگان در شهر رشت :

" ساعت ۷ بعدازظهر سه شنبه ۱۳۶۱/۸/۱۸ ، یک واحد عملیاتی از هسته ی مقاومت مجاهد شهید اسماعیل پیروز ، در عملیاتی به نام مجاهد شهید سیاوش سیفی با یک تهاجم برق آسا یکی از مراکز رژیم در رشت را در هم کوبیدند . این مرکز در چهارراه میکائیل رشت واقع شده و در امور جنگ زندگان

فعالیت می کرد . در این تهاجم حداقل سه تن از مزدوران خمینی در دم به هلاکت رسیدند و چهار مزدور دیگر به شدت زخمی شدند ." (مشخصات قربانیان ترور نامشخص است)

ج) تهاجم به انجمن اسلامی بوشیگان رشت :

" ساعت ۸:۳۰ شب سه شنبه ۱۳۶۱/۷/۲۷ ، یک واحد عملیاتی از هسته ی مقاومت محله ی صمد بهرنگی رشت ، یکی از مراکز توطئه و جاسوسی مزدوران خمینی را که در خیابان لاکانی رشت و با نام انجمن اسلامی بوشیگان فعالیت می کرد ، مورد تهاجم قرار دادند و با رگبار مسلسل و انفجار نارنجک مزدورانی را که در این محل حاضر بودند زیر آتش گرفتند که در نتیجه تنی چند از اعضای مزدور و جاسوس این انجمن به هلاکت رسیدند و مجروح شدند ."

(مشخصات قربانیان ترور و تعداد آنها مشخص نشده است)

د) ترور غلامرضا اکبری ، آتش نشان ، جاده ی رشت - فومن :

" ساعت ۸:۳۰ صبح روز ۱۳۶۱/۹/۵ ، یکی از واحدهای عملیاتی هسته ی مقاومت بازار جمعه ی صومعه سرا به کمین یکی از مزدوران خمین به نام غلامرضا اکبری می نشیند ، وی یکی از عناصر سرکوبگر رژیم در انجمن ضد خلقی آتش نشانی رشت بود . رزمندگان مجاهد خلق با رسیدن به اتومبیل حامل این مزدور ، وی را پیاده کردند و با شلیک چند گلوله ، وی را به سزای جنایاتش می رسانند . ضمناً در این عملیات دو تن از مزدوران بسیج ضد خلقی نیز بر اثر آتش مجاهدین مجروح می شوند ."

(بدون ذکر مشخصات دو شهروند مجروح شده)



## ۹. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۴۰

الف) ترور اکبر حدادی (شغل نامعلوم) و دو شهروند دیگر (بدون مشخصات) ، تهران پارس ، تهران :  
" در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۳ ، یکی از خانه های امن پاسداران در تهران پارس را مورد حمله قرار دادیم ، در این  
تهاجم یکی از شکنجه گران با سابقه ی رژیم به نام اکبر حدادی و دو تن از دستیارانش به هلاکت رسیدند "

ب) حمله به یک نمایشگاه اتومبیل در تقاطع خیابان آذربایجان و کارون ، تهران :

" مرکز اصلی تجمع جاسوسان در تقاطع خیابان های آذربایجان و کارون و دیگری در تقاطع خیابان  
کارون و آشنا قرار داشت . این کانون های جاسوسی در پوشش نمایشگاه اتومبیل و مغازه فعالیت می  
کردند . صبح روز ۶ شهریور ۱۳۶۱ برای انجام عملیات علنی این دو مرکز در نظر گرفته شد و عملیات  
به نام مجاهد شهید بیژن سیفی نام گذاری گردید .

در ساعت ۱۱:۰۵ صبح رگبار آتشین مسلسل باعث شد تا مزدوران حاضر در نمایشگاه که سعی داشتند  
با فرار و رفتن به پشت اتومبیل های نمایشگاه خود را از آتش قهر انقلابی خلق نجات دهند ، مجال فرار  
پیدا نکنند . در این عملیات ۶ نفر از مزدوران در دم به هلاکت رسیدند و ۳ نفر دیگر از آنان مجروح  
شدند . در همین روز قرارگاه شماره ۲ جاسوسان نیز که در پوشش مغازه فعالیت می کرد مورد حمله  
قرار گرفت و یک تن از مزدوران رژیم نیز در آنجا به هلاکت رسید .

(مشخصات تمامی قربانیان نامعلوم است)

## ۱۰. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۴۱

ترور حجت الاسلام واعظ طبسی ، تولیت آستان قدس رضوی ، مشهد :

" روز جمعه ۱۳۶۱/۱۱/۲۹ ، واعظ طبسی نماینده ی خمینی در استان خراسان و سر دسته ی غارتگران  
آستان قدس رضوی ، مورد هجوم قهرمانانه ی یکی از هواداران مجاهدین خلق به نام بابایی قرار گرفت ،  
ولی به طور موقت از اعدام انقلابی از طریق عملیات مقدس انتحاری جان سالم به در برد . "

## ۱۱. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۴۵

الف) ترور سه نفر از پاسداران (هویت نامشخص) ، منطقه ی تالش گیلان :

" در تاریخ سه شنبه ۱۳۶۱/۱۲/۳ در جریان یک درگیری مسلحانه ، ۳ تن از مزدوران سر سپرده ی خمینی توسط رزمندگان مجاهد مستقر در منطقه تالش گیلان به هلاکت رسیدند ."

ب) ترور یوسف علی درخوش و خسرو فرجی (اعضای سپاه) ، حوالی زیرآب جاده ی فیروزکوه :

" طی دو درگیری جداگانه در تاریخ های ۲۸ و ۱۳۶۱/۱۲/۲۹ دو تن از مزدوران سپاه ضد خلقی به نام های خسرو فرجی و یوسف علی درخوش به هلاکت رسیدند ."

## ۱۲. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۴۶

الف) ترور سرنشینان خودروی سپاه (هویت سرنشینان نامعلوم) ، فلکه ی تختی ، همدان :

" در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۶۱ رزمندگان هسته ی مقاومت مجاهد شهید فرشته نورایمانی ، طی یک عملیات حساب شده ، یکی از واحدهای گشتی مزدوران سپاه را در فلکه ی تختی همدان غافلگیر کردند و با رگبار مسلسل به رویش آتش گشودند که در اثر این تهاجم ، سرنشینان آن به شدت مجروح شدند ."

ب) ترور یک شهروند (بدون مشخصات) خیابان ۱۷ شهریور همدان :

" رزمندگان هسته ی مقاومت شهید فرشته نورایمانی در تاریخ سوم اسفند ماه ۱۳۶۱ اقدام به مصادره انقلابی (۱) یکی از مراکز غارت رژیم ، واقع در خیابان ۱۷ شهریور همدان می نمایند که در جریان این حمله ، یکی از مزدوران رژیم به هلاکت می رسد ."

---

۱. مقصود سرقت مسلحانه از بانک ها و مراکز اقتصادی دولتی است .

### ۱۳. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۴۷

عملیات ترور حاج محمد حسن مرجائی ، رئیس شورای محله منطقه ی باغ ملی شهرضا :

" مقارن ساعت ۶:۳۰ بعدازظهر دوشنبه ۱۳۶۲/۱۱/۱۵ یک واحد موتوری از رزمندگان واحد عملیاتی مجاهد شهید احمد بحرینی ، بر اساس شناسایی قبلی ، حاج محمد حسین مرجائی ، مسئول بسیج و رئیس شورای محله ی باغ ملی شهرضا را در منطقه باغ ملی غافلگیر کردند و با شلیک دو گلوله ی کلت کمری ، او را به سزای جنایاتش رساندند . اعدام انقلابی این مزدور درس عبرتی است برای کلیه ی عناصر سرسپرده ! آنها بدانند که مزدوران ضد خلق را از آتش سلاح مجاهدین گریزی نیست ."

### ۱۴. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۴۸

ترور عظیمی (اسم نامشخص) ، مسئول عقیدتی سیاسی ژاندارمری شهرضا : (مکان دقیق عملیات نامعلوم)

" در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۶ واحد عملیاتی مجاهد شهید حشمت الله سرحدی در عملیات مجاهد شهید سیاوش ایزدی ، پس از شناسایی های لازم در ساعت ۸:۴۵ بعدازظهر با یک تهاجم حساب شده ، آخوند عظیمی و محافظ مزدورش را در محل استقرار عظیمی هدف آتش بی امان خود قرار دادند که در نتیجه این آخوند و محافظانش به شدت مجروح شدند ."

### ۱۵. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۴۹

الف) ترور اکبر شکرگزار ، پاسدار (مکان دقیق نامعلوم) آستانه :

" در تاریخ سه شنبه ۱۳۶۱/۱۰/۱۴ ساعت ۶:۴۰ بعدازظهر ، واحد عملیاتی مجاهد شهید اسماعیل هاشمی پس از کسب شناسایی های لازم ، اکبر شکرگزار ، عضو شورای فرماندهی سپاه ضد خلقی شهر آستانه را در مسیر ترددش به دام و با شلیک چند گلوله وی را به سزای اعمالش رساندند ."

ب) عملیات مین گذاری منجر به ترور مطلب (نام خانوادگی نامعلوم) پاسدار ، روستای یعقوب آباد بانه :

" در تاریخ ۱۳۶۲/۱/۲۳ سردسته ی گروه ضربت رژیم خمینی در شهر بانه ، معروف به مطلب در حالی که با یک تویوتای متعلق به سپاه ضد خلقی مشغول گشت زنی و شناسایی در اطراف روستای یعقوب آباد بود ، بر اثر انفجار مین که به وسیله ی پیشمرگه های (۱) مجاهد خلق کار گذاشته شده بود به هلاکت رسید ."

---

۱. پیشمرگه : هواداران و اعضای کرد سازمان با عنوان کردی "پیشمرگه" شناخته می شدند .

(ج) عملیات ترور بیژن مدافی (شغل نامعلوم) محله ی پسوه سر لاهیجان :

" در تاریخ ۱۳۶۲/۱/۲۵ ساعت ۸:۳۰ شب یکی از واحدهای عملیاتی مجاهدین در لاهیجان پس از انجام شناسایی های لازم ، بیژن مدافی از عناصر سرسپرده رژیم خمینی را طی یک کمین در محله ی پسوه سر ، به دام می اندازند و با شلیک چند گلوله وی را به سزای اعمالش می رسانند ."

### ۱۶. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۵۱

عملیات ترور کمیل فرزاتگان (شغل و مکان دقیق ترور نامعلوم) ، شهرضا :

" ساعت ۱۲ ظهر روز ۱۳۶۲/۲/۱۲ یک واحد عملیاتی موتوری هسته های مقاومت شهرضا پس از انجام شناسایی های لازم ، کمیل فرزاتگان ، عضو شورای سرپرستی بسیج ضد خلقی و مسئول پایگاه امام حسن این شهر را در مسیر ترددش به دام انداخته ، با شلیک گلوله های آتشین خود ، وی را به سزای جنایاتش رساندند ."

### ۱۷. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۵۲

الف) ترور قاسم جلالی ، پاسدار ، ناحیه ی درازنوی کرگوی :

" در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۴ ، رزمندگان مجاهد خلق مستقر در جنگل ، یکی از فرماندهان سپاه ضد خلقی در کردکوی به نام قاسم جلالی را که در ناحیه ی درازنوی جنگل های کردکوی مشغول گشت و شناسایی بود به دام می اندازند و با رگبار مسلسل وی را به سزای اعمالش می رسانند .  
تعدادی از پاسداران همراه وی نیز مجروح می شوند . " (بدون اشاره به هویت و تعداد مجروحین)

ب) ترور قاسم آذربان ، مسئول تربیت بدنی شهرستان لنگرود ، خیابان پاسداران لنگرود :

" بعدازظهر دوشنبه ۱۳۶۲/۲/۱۲ یک واحد عملیاتی از رزمندگان مجاهد خلق در لنگرود ، پس از انجام شناسایی های لازم و طی یک عملیات انقلابی ، قاسم آذربان یکی از عوامل اختناق و سرکوب رژیم خمینی در شهر لنگرود را در خیابان پاسداران این شهر به دام انداخته ، به هلاکت می رسانند .  
قاسم آذربان از عناصر فعال حزب جمهوری در لنگرود بود و مسئولیت تربیت بدنی شهر و روستاهای تابعه ی لنگرود را هم بر عهده داشت . "

### ۱۸. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۵۶

ترور اسماعیل مصطفی زاده (شغل نامعلوم) ، چهارراه سرسبز نارمک ، تهران :

" در تاریخ ۶۲/۳/۱۶ ، ساعت ۴ بعدازظهر ، یک واحد دو نفره از رزمندگان مجاهد خلق ، اسماعیل مصطفی زاده را که یکی از سرسپرده ترین مزدوران رژیم خمینی در منطقه ی نارمک بود ، در پایگاه جاسوسی اش واقع در چهارراه سرسبز نارمک غافلگیر می کنند و با شلیک یک گلوله وی را به سزای اعمالش می رسانند . "

### ۱۹. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۸۱

ترور نصرالله تفاوت ، پاسدار (مکان و تاریخ دقیق نامعلوم) ، کتالم رامسر :

" در صفحات اول و ۲۰ از شماره ی ۱۸۱ نشریه ی مجاهد ، در مطلبی با عنوان " مجازات انقلابی فرمانده بسیج ضد خلقی کتالم رامسر به دست رزمندگان مجاهد خلق " ، از ترور موفق نصرالله تفاوت در آذر ماه ۱۳۶۲ به دست نیروهای عملیاتی سازمان خبر می دهد . "

## ۲۰. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۸۲

عملیات ترور خسرو کاظمی ، رضا جعفریان ، اصغر سیف (به ترتیب دادستان ، دادیار و منشی دادگاه نهایند) و یک پاسدار (با هویت نامشخص) دادستانی نهایند :

" روز دوشنبه ۶۲/۹/۱۴ ، طی یک عملیات متهورانه ی انقلابی در نهایند ، دادستان ، دادیار ، منشی دادگاه و تعداد دیگری از ایادی و مزدوران رژیم در این شهر به دست مجاهد قهرمان ، عزت الله یوسف زاده به هلاکت رسیدند . عزت با همکاری سایر رزمندگان مجاهد پس از شناسایی های لازم ، مجازات انقلابی مزدوران دادستانی رژیم در نهایند را در دستور کار خود قرار می دهد .

مجاهد شهید عزت الله یوسف زاده با مسلح شدن به یک قبضه کلاشینکف و ۴ عدد نارنجک جنگی در ساعت ۷:۳۰ بامداد ۱۳۶۲/۹/۱۴ پایگاه خود را به سمت دادستانی ترک کرده ، هنگام ورود به ساختمان دادستانی ، با پوشیدن لباس مزدوران بسیج موفق می شود از در دادستانی عبور کند و با یورش غافلگیرانه ، خسرو کاظمی (دادستان) رضا جعفریان (دادیار) ، اصغر سیف (منشی دادگاه) و یکی از محافظان کاظمی را در دم به هلاکت برساند .

عزت پس از پایان موفقیت آمیز عملیات در نقطه ای واقع در ۲۰۰ متری محل عملیات سنگر می گیرد و به مقابله با مزدوران بر می خیزد ، سرانجام این رزمنده ی مجاهد پس از به هلاکت رساندن تعدادی از مزدوران رژیم ، با پیکری نیمه جان به دست مزدوران افتاده ، ساعتی بعد در بیمارستان به شهادت می رسد . (هویت و تعداد سایر قربانیان نامشخص است) . " (۱)

---

۱. در شماره ی ۴۲۱ نشریه ی مجاهد ، ص ۱۳ هم در همین خصوص مطلبی با عنوان حماسه ی عملیات قهرمانانه ی مجاهد شهید عزت الله سیف زاده در نهایند آمده است .

## ۲۱. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۲۹

الف) عملیات ترور اصغر ابراهیم زاده (شغل نامعلوم) فلکه ی دوم خزانه ی تهران :

" در ساعت ۹:۳۰ صبح پنج شنبه ۱۳۶۳/۸/۲۴ ، رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسایی ها و طرح عملیاتی قبلی ، یکی از مهمترین عوامل سرکوبگر رژیم خمینی در فلکه ی دوم خزانه به نام اصغر ابراهیم زاده را مورد تهاجم انقلابی قرار دادند ؛ در جریان این عملیات مزبور نامبرده به شدت زخمی شد .

پس از انجام عملیات ، فرمانده قهرمان واحد عملیاتی طی یک درگیری نابرابر با مزدورانی که برای مقابله با مجاهدین در محل حاضر شده بودند ، دو تن دیگر از عناصر جاسوس به نام های علیرضا دست باز (۱) و یدالله میرزا خانی را با انفجار نارنجک به شدت مجروح نمود . " (مشخصات دقیق دو تن قربانی ترور مانند شغل و محل دقیق درگیری آنها نامشخص است) (۲)

---

۱. علیرضا دست باز پدر شهید بوده و به دنبال این انفجار هر دو چشم وی نابینا و دستان وی از مچ قطع می شود .  
۲. بر اساس مندرجات نشریه ی مجاهد شماره ی ۲۳۰ علی اصغر ابراهیم زاده صفار که در متن نشریه ۲۲۹ از او با نام اصغر ابراهیم زاده نام برده شده ، پس از مجروحیت در تاریخ ۱۳۶۳/۹/۱۵ در بیمارستان شهید باهنر تهران به شهادت می رسد . بر اساس مندرجات نشریه ی مجاهد شماره ۲۲۹ ، عامل ترور فردی به نام امیر هاشمی با نام مستعار فرمانده حبیب بوده است .

ب) ترور حجت السلام مخبر (سایر مشخصات اعم از شغل ، نام و تاریخ ، محل دقیق ترور نامعلوم) ، تهران :

" آخوند جنایتکار مخبر در اسفند ماه ۱۳۶۰ به دست رزمندگان مجاهد خلق به هلاکت رسید . "

ج) عملیات ترور قاسم حقیقت (شغل نامعلوم) ، ۲۱ متری جی تهران :

" ساعت ۸ صبح روز سه شنبه ۱۳۶۳/۸/۲۲ ، رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های قبلی و طبق یک طرح عملیاتی ، یکی از جاسوسان رژیم خمینی در منطقه ی ۲۱ متری جی و خیابان

تیموری به نام قاسم حقیقت را مورد تهاجم انقلابی قرار دادند که در جریان این عملیات ، مزدور نامبرده به شدت مجروح گردید ."

## ۲۲. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۳۰

الف) ترور ابراهیم مرادی (شغل نامعلوم) ، خیابان فاطمی تهران :

" در ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۱۳۶۳/۹/۱۹ ، رزمندگان مجاهد خلق یکی از عوامل مؤثر رژیم خمینی را در منطقه ی خیابان فاطمی تهران ، به نام ابراهیم مرادی طی یک درگیری به کیفر اعمالش رساندند ."

ب) عملیات ترور زارع منصوری ، عضو جهادسازندگی ، خیابان قدس کرمان :

" در ساعت ۷:۵ صبح روز دوشنبه ۱۳۶۳/۱۰/۳ یکی از عوامل سرکوب رژیم خمینی در کرمان ، به نام زارع منصوری در عملیات رزمندگان مجاهد خلق در خیابان قدس این شهر به شدت مجروح گردید . او از اعضای فعال ارگان ضد خلقی موسوم به جهاد بود ."

ج) ترور حسین یعقوب زاده ( شغل ، مکان و زمان دقیق ترور نامعلوم) تبریز :

" حسین یعقوب زاده از عناصر سرکوبگر رژیم خمینی در تبریز که در تاریخ ۱۳۶۳/۸/۱۶ طی عملیات رزمندگان مجاهد خلق مجروح شده بود ، در تاریخ ۶۳/۸/۲۸ در بیمارستان به هلاکت رسید ."

د) عملیات انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در منطقه ی ۱۰ تهران :

" در ساعت ۸:۱۵ صبح روز چهارشنبه ۱۳۶۳/۹/۲۱ ، رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های قبلی و طبق یک طرح دقیق عملیاتی ، با پرتاب دو بمب قوی دفتر منطقه ی ۱۰ حزب چماقداران موسوم به جمهوری اسلامی در خیابان قزوین را مورد تهاجم قرار دادند . در جریان این



انفجار قسمت هایی از ساختمان دفتر حزب دچار آتش سوزی و تخریب شده و یکی از اعضای فعال آن به نام حسین فارسیجانی به شدت مجروح شد ."

هـ) عملیات ترور علی اکبر یغمور (شغل ، زمان و مکان دقیق ترور نامعلوم) شیراز :

" علی اکبر یغمور یکی از عوامل ترور و اختناق شیراز ، چندی پیش به دست واحدهای عملیاتی خلق در این شهر به کیفر رسید . " (زمان اجرای عملیات با توجه به تاریخ انتشار نشریه ی دی ماه ۱۳۶۳ است ، احتمالاً به ماههای مهر تا آذر ۶۳ مربوط می شود) .

و) در صفحه ی ۳۶ این نشریه به صورت اجمالی در مطلبی با عنوان انعکاس عملیات رزمندگان مجاهد خلق از ترور عباس عبادینی در اصفهان ، در مورخه ی ۱۳۶۳/۶/۵ ساعت ۸:۳۰ صبح و ترور مهدی جبار زارع در اصفهان دروازه تهران ، اول جاده ی رباط ، در تاریخ دوشنبه ۱۳۶۳/۶/۱۹ ساعت ۸:۵ شب سخن به میان آمده است .

ز) عملیات ترور علیجان همتی فر ، کارمند مخابرات ، کرمان (محل دقیق نامعلوم) :

" در ساعت ۶:۵ صبح چهارشنبه ۱۳۶۳/۹/۲۱ رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های دقیق و طولانی و طی یک درگیری ، رئیس کل ستاد امور اداری مخابرات کرمان به نام علیجان همتی را به کیفر جنایاتش رساندند ."

ح) عملیات ترور یوسف ستوده (پاسدار) و قنبر ستوده (دادیار دادستانی) ، خیابان مجاهدین گرگان :

" در ساعت ۸:۴۵ صبح روز چهارشنبه ۱۳۶۳/۹/۲۸ ، رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های قبلی و طی یک طرح دقیق عملیاتی ، دو نفر از مهمترین عوامل سرکوب رژیم خمینی در خیابان مجاهدین گرگان ، به نام های یوسف و قنبر ستوده را به کیفر جنایات شان رساندند . یوسف ستوده

پیش از این نیز یک بار در پاییز سال ۶۰ توسط رزمندگان مجاهد خلق مورد تهاجم انقلابی قرار گرفته و جان سالم به در برده بود."

(و) عملیات ترور صمد شرائین (شغل نامعلوم) خیابان احمدی، شیراز:

"در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۱۳۶۳/۹/۲۱، رزمندگان قهرمان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های قبلی و طی یک درگیری یکی از عوامل مهم سرکوب و اختناق در خیابان احمدی شیراز، به نام صمد شرائین را به کیفر جنایاتش رساندند."

(ی) عملیات ترور حاج تقی شهاب سردودی (شغل نامعلوم)، چهارراه منصور، تبریز:

"در ساعت ۵ بعدازظهر روز شنبه ۱۳۶۳/۱۰/۸، رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های قبلی و طی یک طرح دقیق عملیاتی یکی از دژخیمان مشهور خمینی در شهر تبریز به نام حاج تقی شهاب سردودی در چهارراه منصور تبریز را به کیفر جنایاتش رساندند."

(ک) عملیات ترور محسن سرشک (پاسدار) خیابان پیروزی تهران:

"در ساعت ۶ صبح روز پنجشنبه ۱۳۶۳/۱۰/۶، رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های قبلی و طی یک طرح دقیق عملیاتی، یکی از اعضای سپاه ضد خلقی در منطقه ی پیروزی، خیابان نبرد به نام محسن سرشک را مورد تهاجم انقلابی قرار دادند. در جریان این عملیات وی به شدت مجروح گردید."

**۲۳. نشریه ی مجاهد، شماره ی ۲۳۱**

عملیات علیه مجتمع الهادی، خیابان دماوند تهران:

" در ساعت ۱۱:۳۰ روز دوشنبه ۱۳۶۳/۱۰/۱۰ ، رزمندگان قهرمان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های قبلی و بر طبق یک طرح عملیاتی دقیق ، ساختمان مرکز تجمع مزدوران رژیم موسوم به الهادی را در خیابان دماوند با بمب فانوس و نارنجک مورد تهاجم انقلابی قرار دادند و قسمت هایی از آن را منهدم نمودند . در جریان این عملیات ، تعدادی از مزدوران از جمله سعید خطیری (شغل نامعلوم) مجروح شدند . " (هویت شخصی و شغلی سایر قربانیان نامعلوم است)

#### ۲۴. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۳۲

الف) عملیات ترور ۲ پاسدار (مشخصات و هویت فردی نامعلوم) در سه راه آذری ، تهران :

" تهاجم انقلابی به یکی از مراکز اطلاعاتی مزدوران سپاه و کمیته در سه راه آذری و از پای در آمدن ۲ تن از پاسداران سپاه ضد خلقی . " (بدون اشاره به زمان و مکان دقیق ترور ، اما با توجه به قرائن ترور در دی ماه ۱۳۶۳ انجام گرفته است)

ب) عملیات ترور مسعود زاهدی (فرهنگی) ، حسن مهماندوست (فرهنگی) و صفر ضیایی (فرهنگی) در خیابان بهبهودی ، تهران :

" عملیات مجازات مسعود زاهدی ، حسن مهماندوست و صفر ضیایی از مسئولان شبکه ی شناسایی و جاسوسی و سرکوب رژیم ، موسوم به امور تربیتی در ناحیه ی (مقصود منطقه است) ۲ آموزش و پرورش ، خیابان بهبهودی تهران . " (بدون اشاره به مکان و تاریخ دقیق عملیات و سرنوشت قربانیان ترور) (۱)

---

۱. در صفحه ی شماره ی ۲۳۴ نشریه ی مجاهد ، تلویحاً به شهادت حسن مهماندوست و تاریخ اجرای ترور ۱۳۶۳/۱۰/۱۹

اشاره شده است . شهید مهماندوست در هنگام ترور معاونت مدرسه را به عهده داشته است .

## ۲۵. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۳۳

الف) ترور عزت الله صالحی (درجه دار عقیدتی سیاسی ارتش) ، خیابان صابونی ، کرمانشاه :

" در ساعت ۷ صبح یکشنبه ۱۳۶۳/۱۰/۲۳ ، رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های لازم و طبق یک طرح عملیاتی دقیق ، عزت الله صالحی یکی از مسئولان اداره ی سرکوبگر موسوم به سیاسی \_ ایدئولوژیک مرکز پشتیبانی منطقه ی ارتش را در خیابان صابونی کرمانشاه مورد تهاجم قرار دادند و به مجازات رساندند .

ب) ترور شکرالله شهبازی (شغل نامعلوم) ، دروازه تهران اصفهان :

" در ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه ۱۳۶۳/۱۰/۲۶ بر اساس شناسایی های قبلی و طبق یک طرح عملیاتی دقیق یکی از عوامل مهم سرکوب در اصفهان به نام شکرالله شهبازی را در میدان دروازه تهران این شهر به مجازات رساندند ."

ج) ترور شاهرضا نصیری (شغل نامعلوم) بلوار گلستان شیراز :

" در ساعت ۷ بعدازظهر سه شنبه ۱۳۶۳/۱۰/۲۵ رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های قبلی و طبق یک طرح عملیاتی متهورانه ، یکی از مراکز جاسوسی سپاه در بلوار گلستان شیراز را مورد تهاجم انقلابی خود قرار دادند که در جریان این عملیات یکی از عوامل سرکوب و اختناق شیراز به نام شاهرضا نصیری کفترک به مجازات رسید و یکی دیگر از آنها به نام غلام نصیری به شدت مجروح شد . " (۱)

---

۱. بر اساس مندرجات نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۳۴ ، ص ۶ شهید شاهرضا نصیری تابلو ساز بوده و محلی که با عنوان مرکز جاسوسی سپاه از آن یاد شده ، مغازه تابلوسازی وی بوده و شهید و مغازه ی وی قبلاً چندین بار از سوی مجاهدین خلق مورد حمله واقع شده بود .

د) عملیات مین گذاری در منطقه آلان سردشت و قربانیان آن :

" رزمندگان مجاهد خلق در بعدازظهر روز ۱۳۶۳/۱۰/۲۶ طی دو رشته عملیات مین گذاری در منطقه ی آلان سردشت (محور بیتوش \_ اشکان نزدیک سه راهی گزله و حد فاصل روستاهای گرماب و مزرعه ، واقع در محور بیتوش \_ اشکان) حداقل ۱۲ تن از مزدوران را به هلاکت رساندند و سه نفر را نیز مجروح نمودند ." (مشخصات و هویت قربانیان نامعلوم است)

## ۲۶. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۳۴

الف) عملیات ترور احمد فلاح (شغل نامعلوم) ، خیابان کارگر شمالی ، تهران :

" در ساعت ۹:۱۵ صبح روز شنبه ۱۳۶۳/۱۰/۲۹ ، رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های قبلی و طبق یک طرح عملیاتی دقیق ، احمد فلاح یکی از مهمترین سرسپردگان رژیم خمینی را در خیابان کارگر شمالی به مجازات رساندند . رزمندگان مجاهد مرکز جاسوسی این مزدور را که باعث ترس و وحشت کلیه ی اهالی محل بود با پرتاب نارنجک در هم کوبیدند ." (۱)

---

۱. منظور از مرکز جاسوسی ، احتمالاً مغازه یا محل کسب نامبرده است . (بر اساس ادبیات به کار گرفته شده در نشریه ی

مجاهد)

ب) عملیات ترور احمد سیرجانی (شغل نامعلوم) ، منطقه ی احمدآباد مشهد :

" در ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱ ، رزمندگان قهرمان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های قبلی و طبق یک طرح عملیاتی دقیق ، یکی از عوامل مهم اختناق و سرکوب در منطقه ی احمدآباد مشهد به نام احمد سیرجانی را به مجازات رساندند ."

## ۲۷. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۳۵

الف) ترور حسن شهریاری (شغل نامعلوم) ، خیابان تیموری تهران :

" در ساعت ۸:۴۵ صبح روز سه شنبه ۱۳۶۳/۱۱/۹ ، رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های قبلی و طبق یک طرح عملیاتی دقیق توانستند یکی از عوامل مهم سرکوب رژیم خمینی به نام حسن شهریاری را در خیابان تیموری تهران به مجازات برسانند ."

(ب) ترور عباس ناطقی (شغل نامعلوم) ، خیابان خواجه نظام الملک ، تهران :

" در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۰ ، رزمندگان قهرمان مجاهد خلق طبق یک طرح عملیاتی دقیق یکی از عوامل مهم سرکوب و اختناق رژیم خمینی به نام عباس ناطقی را در چهارراه شیخان خیابان خواجه نظام الملک به مجازات رساندند ."

(ج) عملیات ترور عباس قاسمی (پاسدار) ، میدان طوقچی اصفهان :

" در ساعت ۱۱ صبح چهارشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۳ ، درگیری گسترده ای بین رزمندگان مجاهد خلق و مزدوران گشتی اطلاعات سپاه ضد خلقی در میدان طوقچی اصفهان به وقوع پیوست ، در جریان این درگیری رزمندگان مجاهد خلق موفق شدند عباس قاسمی را به هلاکت رسانده و تعداد دیگری از مزدوران ضد خلقی خمینی را از پای در آورند . " (تعداد و سرنوشت سایر قربانیان نامعلوم)

(د) عملیات ترور اصغر معطری (پاسدار) و حاجی معطری (شغل و محل دقیق ترور نامعلوم) ، کرمانشاه :

" در ساعت ۶ بعدازظهر روز چهارشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۰ ، رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های قبلی و طبق یک طرح عملیاتی بسیار دقیق و متهورانه ، اصغر معطری فرمانده سابق سپاه کنگاور و حاجی معطری از مهره های مهم رژیم خمینی در آن منطقه را مورد تهاجم قرار دادند . طی این عملیات اصغر معطری به مجازات رسید و حاجی معطری نیز به شدت مجروح گردید . این مزدور پیش از این نیز دو بار در سال ۱۳۶۰ توسط رزمندگان دلیر مجاهد خلق مورد تهاجم قرار گرفته بود ."

ه) عملیات ترور سه نفر از شهروندان (بدون مشخصات و هویت فردی و شغل نامعلوم)، سه راه آستانه ی شیراز:

" در ساعت ۷ بعدازظهر سه شنبه ۱۳۶۳/۱۱/۹، رزمندگان قهرمان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های قبلی و طبق یک طرح عملیاتی یکی از کانون های سرکوبگر بسیج را در سه راه آستانه ی شیراز با پرتاب بمب های پر قدرت فانوس در هم کوبیدند. در این تهاجم انقلابی سه تن از مزدوران به شدت مجروح شدند و محل تجمع آنان نیز منهدم گردید."

و) ترور محمد میرزاخان (شغل، تاریخ دقیق و محل ترور نامعلوم)، مشهد:

" محمد میرزاخان مزدوری که چندی پیش در جریان عملیات قبلی رزمندگان مجاهد خلق زخمی شده بود، اخیراً به هلاکت رسید." (تاریخ احتمالی ترور بهمن ماه ۱۳۶۳ است)

ز) ترور عبدالحسین فرحناک سرخابی (شغل و محل دقیق ترور نامعلوم)، تبریز:

" در ساعت ۷:۴۵ صبح روز شنبه ۱۳۶۳/۱۱/۶، رزمندگان مجاهد خلق یکی از عوامل مهم اختناق و سرکوب رژیم خمینی در تبریز، به نام عبدالحسین فرحناک سرخابی را به مجازات رساندند." (محل احتمالی ترور محله ی ششگلان تبریز بوده است)

ح) ترور رضا شمعقدری (در متن نشریه ی مجاهد شمغدری آمده که صحیح نیست) پاسدار کمیته انقلاب اسلامی، خیابان امام رضای مشهد:

" در ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۰، رزمندگان مجاهد خلق ایران بر اساس شناسایی های قبلی و طبق یک طرح عملیاتی دقیق و متهورانه یکی از عوامل مهم اختناق و سرکوب مشهد به نام رضا شمعقدری را در خیابان امام رضای این شهر به مجازات رساندند. شمعقدری قبلاً نیز در سال

۱۳۶۰ مورد تهاجم انقلابی رزمندگان مجاهد خلق قرار گرفته ولی موفق به فرار از مجازات شده بود

".

(و رشته عملیات مین گذاری در منطقه ی عمومی سردشت :

این رشته عملیات شامل موارد ذیل است :

۱. مین گذاری جاده ی پایگاه همران ، واقع در محور مهاباد \_ سردشت توسط رزمندگان مجاهد خلق در ساعت ۱۰ صبح مورخه ی ۱۳۶۳/۱۱/۹ که منجر به هلاکت ۴ سرنشین مزدور یک خودروی تویوتا و زخمی شدن ۲ تن دیگر شد . (بدون مشخصات قربانیان)

۲. مین گذاری در حد فاصل پایگاه های برده رش \_ برده سور ، واقع در منطقه ی آلان سردشت توسط رزمندگان مجاهد خلق در ساعت ۱۰:۳۰ صبح مورخه ی ۱۳۶۳/۱۰/۲۶ که منجر به هلاکت ۶ نفر از سرنشینان مزدور یک دستگاه آیفو و جراحت شدید ۶ نفر دیگر از آنان شد . (بدون ذکر مشخصات قربانیان)

۳. مین گذاری در همین منطقه (بدون مشخصات دقیق) در تاریخ ۱۳۶۳/۱۰/۲۹ که منجر به هلاکت یکی از مزدوران خود فروخته ی رژیم گردید . (بدون ذکر مشخصات قربانی)

۴. مین گذاری در حد فاصل پایگاه های برده سور و برده بنکه ، در منطقه ی آلان سردشت در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۳۶۳/۱۱/۱۰ توسط رزمندگان قهرمان مجاهد خلق که در نتیجه انفجار آن ، ۳ تن از مزدوران خود فروخته و سرکوبگر رژیم به شدت مجروح شدند . (بدون اشاره به هویت و مشخصات قربانیان)

۵. مین گذاری در جاده ی منتهی به پایگاه نستان \_ ثلاث کاوان ، واقع در محور مهاباد \_ سردشت ، توسط رزمندگان مجاهد خلق که در ساعت ۹:۳۰ صبح روز ۱۳۶۳/۱۱/۱۱ موجب انهدام یک دستگاه تویوتای دشمن ضد خلقی و هلاکت ۶ تن از سرنشینان سرکوبگر آن شد . (بدون ذکر مشخصات و هویت قربانیان)



## ۲۸. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۳۶

الف) عملیات ترور بیوک فرشباف ، عضو شورای آرد و نان تبریز (محل دقیق ترور نامشخص) ، تبریز :  
" رزمندگان مجاهد خلق در ساعت ۶:۴۰ بعدازظهر روز شنبه ۱۳۶۳/۱۱/۲۰ یکی از مهره های مهم  
اختناق و سرکوب رژیم در تبریز به نام بیوک فرشباف را به مجازات رساندند ."

ب) عملیات حمله به یکی از مراکز سپاه منطقه ی پل چوبی کرمانشاه :

" در ساعت ۹ صبح یکشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۲۱ ، رزمندگان قهرمان مجاهد خلق طبق یک طرح عملیاتی  
دقیق ، یکی از مراکز جاسوسی و سرکوب سپاه ضد خلقی در منطقه ی پل چوبی کرمانشاه را مورد  
تهاجم انقلابی خود قرار دادند . در جریان این عملیات که با شلیک گلوله و پرتاب نارنجک و بمب  
های ضربه ای فانوس انجام گرفت ، مرکز مزبور منهدم شد و تعدادی از پاسداران ضد خلقی از پای  
درآمدند . در جریان این عملیات ابراهیم همت پناه به هلاکت رسید و رجبی (بدون نام) مجروح شد  
". (هویت سایر قربانیان نامعلوم است)

ج) عملیات حمله به ساختمان بسیج مهرآباد جنوبی ، ۲۰ متری پادگان تهران :

" در ساعت ۶:۴۵ بعدازظهر یکشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۴ ، رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسایی های  
قبلی و طبق یک طرح عملیاتی دقیق ، یکی از کانون های جاسوسی و سرکوب بسیج در منطقه  
مهرآباد جنوبی ، خیابان ۲۰ متری پادگان را مورد تهاجم انقلابی خود قرار دادند و با استفاده از بمب  
پر قدرت فانوس و رگبار مسلسل های خود ساختمان بسیج را در هم کوبیدند و تعدادی از مزدوران  
این مرکز را از پای در آوردند . در جریان این تهاجم دلیرانه ، سقف ساختمان مذکور فرو ریخت و ۳  
تن از مزدوران بسیج ضد خلقی مجروح شدند . " (هویت و مشخصات شغلی قربانیان نامعلوم است)

د) عملیات حمله به ساختمان بنیاد مستضعفان ، خیابان آپادانای تهران :

" صبح روز چهارشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۷ ، رزمندگان دلیر مجاهد خلق طبق شناسایی های قبلی و بر اساس یک طرح عملیاتی دقیق ، یکی از مراکز غارت و چپاول رژیم موسوم به بنیاد مستضعفان در خیابان آپادانای تهران را مورد حمله قرار دادند و با پرتاب نارنجک و بمب های پر قدرت فانوس ، قسمتی از ساختمان را در هم کوبیدند و تعدادی از مزدوران را از پای در آوردند .

در جریان این تهاجم ، دو تن از مزدوران به هلاکت رسیدند که نام یکی از آنها محمد طهماسبی (شغل نامعلوم) است و حداقل ۷ نفر مجروح شدند که دو نفر از مجروحین عبارتند از : فرج احمدی نژاد (پاسدار) و فرامرزیوسفی (پاسدار) . (هویت و مشخصات شغلی سایر قربانیان نامعلوم است)

## ۲۹. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۳۷

عملیات حمله به ساختمان دادستانی مرکز ، چهارراه قصر ، تهران :

" ساعت ۸ بعدازظهر یکشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۲۱ واحدهای عملیاتی مجاهد خلق طی یک عملیات ویژه که به نام مجاهد شهید فرمانده امیر هاشمی نامگذاری شده بود ، به ساختمان بزرگ دادستانی کل انقلاب در چهارراه قصر تهران حمله کردند و با شلیک پیاپی موشک های آر.پی.جی. ۷ ، این مرکز جنایت را به آتش کشیدند و در هم کوبیدند .

در نتیجه ی این تهاجم سنگین ، سمت جلوی طبقات دوم و سوم ساختمان مذکور به شدت در هم کوبیده و منهدم شد و طبقات دوم و سوم دچار آتش سوزی شد و حریق به سایر طبقات سرایت کرد . در جریان این عملیات قهرمانانه تعدادی از مزدوران دادستانی کل رژیم کشته و زخمی شدند .

(تعداد دقیق قربانیان و مشخصات شغلی و هویتی آنان نامعلوم است)

### ۳۰. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۴۰

گزارش عملیات های ترور سازمان مجاهدین خلق در هفته ی موسوم به " موسی و اشرف " ۱۷ الی ۲۴ بهمن ۱۳۶۳ :

در مطلبی با عنوان " گزارش برادر مجاهد مهدی کتیرایی ، فرمانده ستاد عملیات تهران درباره ی عملیات نظامی مجاهدین در تهران و شهرستان ها به برادر مجاهد محمود عطایی ، فرمانده ستاد نظامی سازمان مجاهدین خلق ایران در رابطه با هفته ی " موسی و اشرف " چنین آمده است :

الف) " طی ۸ رشته عملیات در تهران و ۱۱ رشته در شهرستان های مشهد ، تبریز ، شیراز ، اصفهان و کرمانشاه ، حداقل ۳۸ تن از مهره های سرکوبگر رژیم کشته و زخمی شدند . "

ب) " واحدهای عملیاتی مجاهد خلق طی هفته ی " موسی و اشرف " با استفاده از بمب های پر قدرت فانوس و نارنجک به ۴ مرکز سرکوب رژیم در تهران و دو مرکز در شهرهای دیگر حمله کردند که طی آن چندین نفر دیگر از مزدوران رژیم کشته و زخمی شدند و قسمت هایی از ساختمان های این مراکز منهدم گردید . "

### ۳۱. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۵۳

الف) عملیات ترور مسعود کرمی کارمند (محل دقیق ترور نامعلوم) ، تهران :

" در ساعت ۸ شب سه شنبه ۶۴/۳/۲۸ رزمندگان مجاهد خلق در تهران ، مسعود کریمی خائن ، مشاور معاون سابق وزیر آموزش و پرورش را به مجازات رساندند . "

ب) عملیات ترور غلامرضا شهبازی (شغل و محل دقیق ترور نامعلوم) ، قزوین :

" ساعت ۱۰:۳۰ صبح روز دوشنبه ۱۳۶۴/۳/۲۷ ، رزمندگان مجاهد خلق یکی از فعال ترین مزدوران خمینی در قزوین به نام غلامرضا شهبازی را مورد تهاجم انقلابی قرار دادند و از پای در آوردند . شهبازی مزدور که در نتیجه ی شدت جراحات وارده در حالت اغما قرار داشت و در بیمارستان رجایی

قزوین به سر می برد ، به دلیل اعمال و جنایاتش پیش از این نیز در سال ۱۳۶۱ توسط رزمندگان مجاهد خلق مورد تهاجم قرار گرفته بود ."

(ج) عملیات ترور حسین حاجی زاده ، حسین انصاری ، نورالله ایران دوست ، سید رضا موسوی ، محمود رحمانی و عبدالله (نام خانوادگی نامشخص ، همگی بدون هویت شغلی و مکان دقیق ترور نامعلوم) ، تاکستان

" در تاریخ ۱۳۶۴/۳/۲۷ اعضای دلاور یک هسته ی مقاومت مجاهد خلق در تاکستان قزوین ، پس از نفوذ به پایگاه بسیج ضد خلقی این شهر ، طی یک تهاجم بی امان و برق آسا کلیه ی عناصر مزدور این مرکز را که ۶ بسیجی مزدور بودند در دم به هلاکت رساندند . یکی از عوامل این عملیات مجاهد شهید داود فخاری که خود نیز در پوشش بسیجی کار می کرد ، در یک فرصت مناسب به کمک دیگر برادران رزمنده اش با غافلگیر کردن این مزدوران سرسپرده ی خمینی ، کلیه ی آنان را به سزای اعمال ننگین شان رساندند . اسامی این مزدوران عبارتند از : ۱) عبدالله (نام خانوادگی نامشخص) ، ۲) محمود رحمانی ، ۳) سید رضا موسوی ، ۴) نورالله ایران دوست ، ۵) حسین انصاری رامندی ، ۶) حسین حاجی زاده .

پس از انجام این عملیات رزمندگان مجاهد بعد از مصادره ی انقلابی سلاح های این مزدوران و با در اختیار گرفتن ماشین آنها ، از منطقه ی عملیاتی دور شدند . در اول تیر ماه ۱۳۶۴ مجاهد شهید داود فخاری در اطراف آبگرم در محاصره ی مزدوران قرار گرفت و پس از پرتاب نارنجک و زخمی نمودن یکی از آنان (هویت نامعلوم) با خوردن قرص سیانور به شهادت رسید ."

## ۳۲. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۳۷۲

عملیات ترور ابوالاحرار (نام مشخص نیست) کارمند آموزش و پرورش (مکان دقیق ترور نامشخص) شیراز :

در این شماره از نشریه ضمن مطلبی درباره ی زندگی نامه ی اعظم صیادی ، از اعضای سازمان در شیراز ، شرکت در شناسایی و عملیات ترور ابوالاحرار مسئول آموزش و پرورش شیراز از جمله اقدامات نامبرده محسوب شده است .

تاریخ دقیق عملیات مشخص نیست ، اما با توجه به قرائن (زمان دستگیری اعظم صیادی در بهار ۱۳۶۱ و مقطع شروع فاز مسلحانه ی سازمان در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰) زمان ترور در حد فاصل ۱۳۶۰/۴/۱ تا خرداد ماه ۶۱ است .

### ۳۳. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۳۹۲

الف) عملیات انفجار ساختمان دادستانی انقلاب اسلامی تهران :

" حوالی ساعت ۲ بعدازظهر روز ۱۳۷۲/۳/۱۲ ، دادستانی انقلاب رژیم توسط واحدهای عملیاتی مجاهد شهید هادی همایون با انفجاری مهیب درهم کوبیده شد ، دادستانی ارتجاع ویران گردید و دهها تن از دژخیمان کشته و زخمی شدند . " (۱) (بدون ذکر تعداد و مشخصات هویتی و شغلی قربانیان)

---

۱. بر اساس مندرجات نشریه ی مجاهد شماره ی ۳۹۶ حاج حسن صالحی از نیروهای دادستانی در این انفجار به شهادت رسیده است .

ب) تهاجم خمپاره ای به ستاد مشترک سپاه پاسداران ، تهران :

" حوالی ساعت ۲۰:۳۰ سه شنبه ۱۳۷۷/۳/۱۲ واحدهای عملیاتی مجاهد شهید وحید شکری پور مقر ستاد مشترک سپاه پاسداران رژیم آخوندی در تهران را خمپاره باران کردند . در این تهاجم بزرگ و برق آسا ، رزم آوران مجاهد با وارد آوردن خسارت های بسیار ، شمار قابل توجهی از پاسداران ارتجاع را از پای در آوردند . " (اشاره ای به تعداد و هویت قربانیان نشده است)

### ۳۴. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۳۹۷

عملیات ترور پاسداران (بدون مشخصات) رضوان شهر :

" شب ۱۳۶۰/۵/۵ یک واحد عملیاتی از رزمندگان مجاهد خلق راهی رضوان شهر شد و در ساعت ۲۱:۳۰ یک واحد گشتی سپاه ضد خلقی را که از هشت پاسدار تشکیل می شد ، در هم کوبیدند و پاسداران را به سزای جنایات شان رساندند ." (بدون ذکر مشخصات قربانیان و نتایج احتمالی عملیات ترور)

### ۳۵. نشریه ی مجاهد ، شماره ی فوق العاده ، مورخه ی دوشنبه ۱۳۷۷/۱۱/۱۲

تهاجم خمپاره ای به ساختمان وزارت اطلاعات ، خیابان پاسداران تهران :

" واحدهای عملیاتی مجاهدین شهید زهرا رجبی و علی مرادی در ساعت ۶:۳۰ بعدازظهر یکشنبه ۱۳۷۷/۱۱/۱۱ مرکز اصلی وزارت ساواک آخوندی ، واقع در خیابان پاسداران تهران را خمپاره باران کردند . در این عملیات بزرگ خسارت های فراوانی به مقر مرکزی وزارت اطلاعات وارد شد و طی آن شمار قابل توجهی از دژخیمانم و عوامل جاسوسی و خفقان از پای در آمدند." (اشاره ای به تعداد و هویت قربانیان نشده است)

### ۳۶. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۴۸۲

علمیات ترور عظیم مرادی (شغل ، تاریخ و محل ترور نامعلوم) احتمالاً خرم آباد :

" عظیم مرادی در روز هفتم شهادت مجاهد علی اکبر قاضی در عملیاتی به نام او به سزای جنایاتش رسید ."

### ۳۷. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۴۸۴

الف) عملیات ترور زینال زاده (بدون نام) پاسدار (محل و تاریخ دقیق ترور نامعلوم) حوالی ارومیه :

" سرهنگ پاسدار زینال زاده ، سردژخیم منفور اطلاعاتی در آذربایجان غربی توسط یک واحد عملیاتی مجاهدین کیفر یافت . واحد قهرمان عملیاتی در یک عملیات ویژه و به غایت خطیر و حساس ، پاسدار سرهنگ جنایتکار را در حوالی ارومیه با دو مزدور مسلح همراهش به دام انداخت که یکی از آنها در دم به هلاکت رسید و دیگری به شدت زخمی شد . " (۱) ( بدون ذکر مشخصات قربانیان)

---

۱. با توجه به قرائن ، تاریخ احتمالی ترور دهه ی دوم اسفند ماه ۱۳۷۸ بوده است .

(ب) *تهاجم خمپاره ای به قرارگاه نبی اکرم و قرارگاه ثارالله ، شمال میدان ونک ، تهران :*

" حوالی ساعت یک بعدازظهر دوشنبه ۱۳۷۸/۱۲/۲۳ ، واحدهای عملیاتی مجاهدین در داخل کشور در عملیات بزرگ و پیروزمندی که بهار تهران نامگذاری شده بود ، مقرر رحیم صفوی و ستاد فرماندهی سپاه پاسداران رژیم آخوندی را در قرارگاه نبی اکرم و قرارگاه ثارالله ، واقع در شمال میدان ونک تهران را خمپاره باران کردند . در حمله ی دلاورانه ی ظهر روز دوشنبه به این قرارگاهها ، شماری از شب پرستان دژخیم کشته و زخمی شدند و ساختمان ها ، تأسیسات و خودروهای جنایتکاران آسیب دید . " ( بدون ذکر تعداد و مشخصات قربانیان)

(ج) *تهاجم خمپاره ای به ساختمان مجمع تشخیص مصلحت و بیت رهبری ، خیابان ولیعصر و خیابان پاستور ، تهران :*

" واحدهای عملیاتی مجاهدین در تاریخ شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۷۸ در عملیات بزرگ قیام تهران ، محل کار رفسنجانی در کاخ مرمر و خانه و دفتر خامنه ای را خمپاره باران کردند . در این تهاجم شماری از پاسداران محافظ و اعضای دفتر خامنه ای مجروح شدند . " ( بدون ذکر تاریخ دقیق ، تعداد و هویت قربانیان) (۱)

---

۱. در شماره ی فوق العاده ی نشریه ی مجاهد ، مورخه ی ۱۳۷۸/۱۱/۱۸ ساعت تهاجم ۱۹:۳۰ ذکر شده و اسامی تعدادی از مجروحان آمده است .

د) تهاجم خمپاره ای به فرماندهی منطقه ی انتظامی ، مقر یگان ویژه ی ناجا ، ایستگاه وزارت اطلاعات در قصر شیرین و فرماندهی منطقه ی انتظامی ، ایستگاه وزارت اطلاعات و مدرسه ی اطلاعات در سومار ، استان کرمانشاه :

" واحدهای عملیاتی طی سه رشته عملیات در تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۶ ، فرماندهی منطقه ی انتظامی ، مقر یگان ویژه ، ایستگاه وزارت اطلاعات و ایستگاه فرستنده ی قصر شیرین و سومار را با خمپاره های ۸۲ و ۱۲۰ میلیمتری به آتش کشیدند . در این درگیری ها واحدهای عملیاتی مجاهدین دهها پاسدار را کشته و زخمی کردند . سرتیپ پاسدار علی ساکی از جمله کشته شدگان بود . " (بدون اشاره به تعداد و هویت سایر قربانیان تهاجم و تاریخ دقیق آن)

ه) تهاجم خمپاره ای به اداره ی کل اطلاعات ، مقر فرماندهی سپاه و بسیج ایلام :

" واحدهای عملیاتی مجاهدین در استان ایلام ، طی یک سلسله عملیات متهورانه در تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۱۹ اداره ی کل اطلاعات استان ، مقر فرماندهی سپاه پاسداران و بسیج ضد مردمی ایلام را با استفاده از خمپاره ی ۸۲ میلیمتری در هم کوبیدند . در این درگیری ها شماری از دژخیمان و پاسداران سرکوبگر از پای در آمدند و خسارت های زیادی به ساختمان ها و تأسیسات آنها وارد آمد . این واحدها در منطقه ی چالسرا نیز سه تن به نام های قباد منصور بیگی ، رضا مولایی و علیرضا علی حسینی را کشته و شماری دیگر را مجروح کردند . " (بدون اشاره به هویت و تعداد قربانیان تهاجم و تاریخ دقیق آن)

### ۳۸. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۵۱۲

عملیات ترور سرتیپ پاسدار رضا سیف اللهی و سرتیپ پاسدار محمد مهاجر ، بزرگراه پارک وی (شهید چمران) تهران :



" حوالی ساعت ۹ شب یکشنبه ۱۳۷۹/۶/۶ واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین برای مجازات پاسدار سرتیپ رضا سیف‌اللهی و سرتیپ پاسدار محمد مهاجر وارد عمل شدند. این تهاجم انقلابی در تقاطع بزرگراه پارک وی با خیابان ملاصدرا در شمال غرب تهران آغاز شد و خودروهای حامل دژخیمان با رگبار مسلسل و تفنگ‌های نارنجک انداز هدف قرار گرفت و یکی از مجاهدین قهرمان با نارنجک به میان محافظان رفت و ۶ نفر از آنها را کشته و زخمی کرد. سیف‌اللهی و مهاجر نیز زخمی شدند و به بیمارستان آتیه در شهرک غرب منتقل شدند." (۱) (هویت سایر قربانیان ترور نامعلوم است)

---

۱. در شماره ۵۱۳ نشریه ی مجاهد، به هویت یکی از شهدای این ترور به نام علی آذری اشاره شده است.

### ۳۹. نشریه ی مجاهد، شماره ی ۵۱۳

تهاجم خمپاره ای به مقر سپاه، بسیج و دفتر امام جمعه و نماینده ی ولی فقیه در کردستان، سنندج:

" حوالی ساعت ۹ شب دوشنبه ۱۳۷۶/۶/۱۴، واحدهای عملیاتی مجاهدین مرکز فرماندهی سپاه پاسداران، بسیج ضد مردمی و مقر آخوند جنایتکار، موسی موسوی، نماینده ی ولی فقیه در خسروآباد سنندج را خمپاره باران کردند. در جریان این عملیات شماری از سرکردگان و پاسداران از پای در آمدند. (اشاره ای به تعداد و هویت قربانیان نشده است)

## « فصل چهارم »

### عملیات های تخریبی سازمان مجاهدین خلق علیه

### ساختمان ها ، اماکن و اموال عمومی و خصوصی

#### (منجر به خسارت های مادی)

در این قسمت که به عنوان ضمیمه ارائه می شود به معرفی آن دسته از عملیات های سازمان مجاهدین خلق اختصاص دارد که علیه امکانات ، ساختمان ها و اموال عمومی و خصوصی صورت گرفته و هر چند خسارت جانی به دنبال نداشته ، اما منجر به خسارت های مادی گردیده است .

مبنای اطلاعات این قسمت نیز همانند فصول پیشین ، نشریه ی مجاهد بوده و بر اساس شماره مرتب شده است . لازم به ذکر است آنچه در این ضمیمه آمده صرفاً عملیات هایی است که در شماره های موجود در طی تحقیق حاضر به آنها اشاره شده و در بردارنده ی کلیه ی عملیات های تخریبی سازمان نیست و خسارت های یاد شده بر اساس ادعاهای مندرج در نشریه ی مجاهد تنظیم شده و بدیهی است که صحت و سقم آن منظور نظر نبوده است .

#### ۱. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۱۴۶ ، ص ۲۴

۱. انفجار بزرگترین مرکز استقرار ماشین آلات راهسازی در بانه ، ۱۳۶۲/۱/۴ .

#### ۲. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۳۳ ، ص ۲۳

۱. آتش زدن خودروی متعلق به شهروندی به نام محمد حسینی در خیابان قائم بهشهر ، دی ماه ۱۳۶۳

۲. آتش زدن خودروی یکی از شهروندان در منازل مسکونی شرکت نفت ، مسجد سلیمان ،

۱۳۶۳/۱۰/۱۱ .

۳. آتش زدن لندرو دولتی در خیابان جشنواره ، منطقه ی تهران پارس ، تهران ، دی ماه ۱۳۶۳ .

**۳. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۳۶ ، ص ۱۴**

۱. آتش زدن جیب متعلق به دادگستری در شهرسان فسا (محل نامعلوم) ، ۸:۴۵ شب ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۰ .
۲. آتش زدن لندرور متعلق به اداره ی راه و ترابری در شهرستان تنکابن (محل نامعلوم) ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۲ .
۳. آتش زدن پیکان متعلق به یکی از شهروندان در جاده ی خرمشهر \_ تنکابن ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۶ .
۴. آتش زدن جیب متعلق به شهرداری در جاده ی دماوند \_ تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۰ .
۵. آتش زدن تویوتا استیشن دولتی در خیابان آذربایجان ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۳ .
۶. آتش زدن رنو متعلق به وزارت بازرگانی در پل چوبی ، خیابان سپاه ، ۱۰:۲۰ شب ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ .
۷. آتش زدن جیب متعلق به وزارت راه در خیابان هاشمی ، پایین تر از چهارراه معین ، کوچه ی محمد خدابنده ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ .
۸. آتش زدن تویوتای سواری متعلق به یکی از شهروندان در ابتدای خیابان صورتگر ، شیراز ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۱ .
۹. آتش زدن نیسان پاترول متعلق به جهاد عشایر در چهارراه هدایت ، شیراز ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۶ .
۱۰. به آتش کشیدن دفتر توزیع روزنامه ی جمهوری اسلامی در چهارراه طلایی ، ۵:۴۵ صبح ، مشهد ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۱ .
۱۱. تخریب انبار دولتی در خیابان نسیم ، پشت بانک کشاورزی ، مشهد ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۱ .
۱۲. به آتش کشیدن کتابفروشی متعلق به جهاد سازندگی مستقر در دانشگاه اهواز ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۰ .
۱۳. آتش زدن پیکان متعلق به یکی از شهروندان در بلوار مرکزی زرقان ، استان فارس ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۲ .
۱۴. آتش زدن پیکان متعلق به یکی از شهروندان در خیابان آبان ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۰ .
۱۵. آتش زدن پیکان متعلق به وزارت راه در منطقه ی سید خندان ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۱ .

۱۶. آتش زدن پیکان متعلق به یکی از مسئولان عقیدتی \_ سیاسی ژاندارمری تبریز ، تبریز ۱۳۶۳/۱۱/۲
۱۷. آتش زدن شورلت سواری متعلق به سازمان صنایع ملی ایران در خیابان آصف تجریش ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۳ .
۱۸. آتش زدن ژیان متعلق به وزارت نیرو در خیابان جلفا ، منطقه ی سید خندان ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ .
۱۹. آتش زدن خودروی متعلق به صدا و سیما در تهران (محل نامعلوم) ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ .
۲۰. آتش زدن جیب متعلق به اداره ی مخابرات در یافت آباد ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ .
۲۱. آتش زدن جیب دولتی در خیابان شادآباد ، منطقه ی یافت آباد ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ .
۲۲. تخریب دو ناک قاسم آباد و خیابان کهن ، منطقه ی تهران نو ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۳ .
۲۳. آتش زدن کامیون بنز خاور یخچال دار دولتی در خیابان نظام آباد ، اول خیابان کهن ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۳ .
۲۴. آتش زدن فولکس واگن متعلق به وزارت دفاع در بلوار زرهی ، منطقه ی قوامی ، شیراز ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۳ .
۲۵. آتش زدن پیکان یشمی رنگ ، متعلق به یکی از شهروندان در تنکابن (محل نامعلوم) ، ۱۱:۳۰ شب ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۴ .
۲۶. آتش زدن وانت نیسان متعلق به یکی از شهروندان در بالا خیابان ، ۵ صبح ، مشهد ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۲ .
۲۷. آتش زدن وانت سرمه ای متعلق به بنیاد شهید در لاهیجان (محل نامعلوم) ، ۹:۲۰ شب ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۰ .
۲۸. آتش زدن لندرو متعلق به جهاد سازندگی در خیابان ملک ، اراک ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۰ .

۴. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۳۶ ، ص ۱۵

۱. آتش زدن تویوتا کارینا متعلق به شرکت ملی گاز در کوچه ی دیبا ، خیابان فلسطین ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ .
۲. آتش زدن اتوبوسی متعلق به وزارت دفاع در خیابان پیروزی تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۱ .
۳. آتش زدن تویوتای استیشن ، متعلق به یک پاسدار در منطقه ی بریجستون شیراز ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۱ .
۴. آتش زدن چادر کمیته ی انقلاب اسلامی در مقابل شهربانی بابلسر ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۲ .
۵. تخریب بانک ملی واقع در حاشیه ی رودخانه ی بابلسر ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۳ .
۶. آتش زدن جیپ متعلق به شهرداری در منطقه ی کوچه ی مشکی زنجان ، ساعت ۸:۳۰ دوشنبه شب ، ۱۳۶۳/۱۱/۸ .
۷. آتش زدن لندور دولتی در حوالی دبستان دهخدا ، زنجان ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۱ .
۸. آتش زدن پیکان دولتی در میدان صاحب الامر ، تبریز ، ۱۳۶۳/۱۱/۷ .
۹. آتش زدن خودرو استیشن متعلق به بسیج در سه راه آذری تهران ، ساعت ۴ صبح ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۲ .
۱۰. آتش زدن خودروی جیپ دولتی در خیابان جلالی شهرک ولی عصر ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۷ .
۱۱. آتش زدن وانت متعلق به یکی از شهروندان در بناب ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۱ .
۱۲. آتش زدن پیکان متعلق به یکی از شهروندان در محله ی مسجد سید اصفهان ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۳ .
۱۳. آتش زدن جیپ شهباز متعلق به شرکت مخابرات در خیابان زمزم تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۰ .
۱۴. آتش زدن خودروی سیمرغ متعلق به نیروی زمینی ارتش در خیابان ۱۱۲ نارمک تهران ، یکشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۴ .
۱۵. آتش زدن تویوتا استیشن دولتی در خیابان آذربایجان تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۲ .
۱۶. آتش زدن جیپ متعلق به شرکت دیزل اتوپارت در خیابان جمهوری ، چهارراه دانشگاه تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ .

۱۷. آتش زدن نیسان متعلق به جهاد سازندگی در خیابان شریعتی ، محله ی زیر کوچه ی رشت ،  
دوشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ .

۱۸. آتش زدن خودروی ژیان (عکس خمینی روی آن نصب شده بود) متعلق به شهروندان در خیابان  
۱۴۸ فلکه ی اول تهران پارس ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۳ .

۱۹. آتش زدن خودروی دولتی در محله ی آرامنه ، ۱۶ متری مجیدیه ، تهران ، ساعت ۷:۳۰ شب ،  
۱۳۶۳/۱۱/۱۱ .

۲۰. آتش زدن جرثقیل متعلق به وزارت مسکن در خیابان فرجام شرقی ، خیابان ۴۱ ، تهران ،  
۱۳۶۳/۱۱/۱۳ .

۲۱. آتش زدن لندرو در خیابان جاجرود (شهر نامعلوم) ، ساعت ۷ شب ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ .

۲۲. آتش زدن نیسان دولتی در خیابان بابلسر ، بابل ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۳ .

۲۳. آتش زدن نیسان متعلق به فرمانداری در چهارراه گلزار رشت ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۴ .

۲۴. آتش زدن لندرو متعلق به اداره ی مسکن و شهرسازی در جاده ی انزلی \_ رشت ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۶ .

## ۵. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۳۶ ، ص ۱۶

۱. آتش زدن لندرو دولتی در خیابان هماین شهر ، منطقه ی ستارخان ، ۵ صبح ، تهران ،  
۱۳۶۳/۱۱/۹ .

۲. آتش زدن لندرو متعلق به کمیته ی امداد امام خمینی در خانه های سازمانی ، تبریز ،  
۱۳۶۳/۱۱/۸ .

۳. آتش زدن پیکان متعلق به یکی از شهروندان در کوی منظریه ی تبریز ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۳ .

۴. آتش زدن تویوتای سفید رنگ متعلق به شهروندی به نام حسن یزدی در چهارراه طالقانی ، تبریز  
، ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ .

۵. آتش زدن تویوتای استیشن کرم رنگ متعلق به یکی از شهروندان در خیابان امامیه ، پشت استانداری ، ۸ شب ، اهواز ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۶ .
۶. آتش زدن جیب متعلق به وزارت بازرگانی در خیابان فردوسی ، روبروی تولید دارو ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۶ .
۷. آتش زدن مینی بوس بنز دولتی در خیابان نظام آباد شمالی ، نرسیده به پارک کوثر ، ۹:۴۵ شب ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۶ .
۸. آتش زدن کامیون دولتی در اراک (محل نامعلوم) ، ۷ شب ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ .
۹. آتش زدن وانت پیکان متعلق به جهاد سازندگی در کوی شهید فاطمی ، منطقه ی نارمک ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ .
۱۰. آتش زدن بنز خاور دولتی در خیابان خوش شمالی ، چهارراه پرچم ، ۹:۴۵ شب ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۶ .
۱۱. آتش زدن خودروی دولتی در یزد (محل نامعلوم) ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۴ .
۱۲. آتش زدن خودروی وانت سفید رنگ متعلق به یکی از شهروندان در خیابان افسریه ، ۷:۵۰ شب ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۸ .
۱۳. آتش زدن جیب دولتی در خیابان دروازه نو ، اصفهان ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۷ .
۱۴. آتش زدن لندرو دولتی در میدان شریعتی ، خرم آباد ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۶ .
۱۵. آتش زدن لندرو دولتی در خیابان آزاد ، رشت ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۷ .
۱۶. آتش زدن وانت پیکان دولتی در خیابان مطهری شمالی ، مشهد ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۹ .
۱۷. آتش زدن تویوتا متعلق به جهاد دانشگاهی در فلکه ی ۷۷ نارمک ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۸ .
۱۸. تخریب یک مرکز دولتی به نام صنایع فلزی در حوالی چهارراه وثوق ، تهران ، بهمن ماه ۱۳۶۳ .
۱۹. تخریب مغازه ی یکی از شهروندان در خیابان تهران نو ، تهران ، ۱۳۶۳/۱۱/۱۰ .
۲۰. تخریب یک بانک در خیابان آیت ، تهران ، بهمن ماه ۱۳۶۳ .

۲۱. تخریب مغازه ی یکی از شهروندان در مرکز شهر اراک ، ۱۳۶۳/۱۱/۶ .

### ۶. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۴۰ ، ص ۵

۱. تخریب مغازه ای متعلق به حسین حق پناه در خیابان سینا ، ۹ صبح یکشنبه ، تهران ،  
۱۳۶۳/۱۲/۱۲ .

۲. تخریب مغازه ای متعلق به حسین جوانمرد در خیابان سینا ، ۹ صبح یکشنبه ، تهران ،  
۱۳۶۳/۱۲/۲ .

### ۷. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۴۰ ، ص ۵

در این صفحه از نشریه ، ضمن درج جدولی با عنوان " بیان عملیات به آتش کشیدن خودروهای  
ارگان ها و مزدوران رژیم در هفته ی حماسه ی موسی و اشرف ( ۱۰ تا ۱۶ بهمن ۱۳۶۳ ) مسئولیت به آتش  
کشیدن ۱۷۸ خودرو در ۲۹ شهر کشور از سوی سازمان پذیرفته شده است .

### ۸. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۴۰ ، بخش ضمیمه

در این صفحه ضمن درج نقشه ای از تهران با عنوان " نقشه و علائم نموداری فعالیت های گزارش شده ی  
رزمندگان ، واحدها و هسته های مقاومت مجاهد خلق در تهران به مناسبت هفته ی حماسه ی موسی و  
اشرف ( ۱۰ تا ۱۶ بهمن ماه ۱۳۶۳ ) مسئولیت موارد زیر را از سوی سازمان پذیرفته است :

۱. ۶ مورد تهاجم مسلحانه به اماکن و افراد که در نتیجه سه نفر از شهروندان در منطقه ی مهرآباد ، ۱  
نفر در منطقه ی امیرآباد ، ۹ نفر در منطقه ی سبلان شمالی و یک نفر در منطقه ی امام حسین  
کشته و یا مجروح شده اند . (به اسامی و مشخصات قربانیان و تاریخ عملیات های تروریستی اشاره  
ای نشده است)

۲. بیش از هفتاد مورد آتش زدن خودرو در نقاط مختلف تهران .



۳. بیش از صد مورد تخریب امکان دولتی و خصوصی .

### ۹. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۴۰ ، بخش ضمیمه ، ص ۱

در این صفحه ضمن درج نیمی از نقشه ی ایران (نیمه ی شرقی) با عنوان نقشه و علائم نموداری فعالیت های گزارش شده ی رزمندگان واحدها و هسته های مقاومت مجاهد خلق در سراسر کشور به مناسبت هفته ی " حماسه ی موسی و اشرف " . ( ۱۰ تا ۱۶ بهمن ماه ۱۳۶۳ ) مسئولیت موارد زیر از سوی سازمان پذیرفته شده است :

۱. دو مورد تهاجم به افراد در مشهد که در نتیجه ۲ نفر کشته یا زخمی شده اند . (به مشخصات قربانیان و زمان و محل دقیق عملیات های تروریستی اشاره ای نشده است )
۲. آتش زدن خودرو به قرار زیر : ۵ دستگاه در مشهد . ۱ دستگاه در کرمان . ۲ دستگاه در یزد . ۱۱ دستگاه در استان مازندران و ۱۶ دستگاه در استان گیلان .
۳. تخریب اماکن شخصی و دولتی به قرار زیر : بندرعباس ۴ مورد . بم ۱ مورد . سرچشمه ۳ مورد . شاهرود ۳ مورد . مشهد ۶ مورد . مازندران ۱۸ مورد . گیلان ۱۸ مورد .

### ۱۰. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۲۴۰ ، بخش ضمیمه ، ص ۲

در این صفحه ضمن درج نیمه ی غربی از نقشه ی ایران (ادامه صفحه ی قبل) مسئولیت موارد زیر از سوی سازمان پذیرفته شده است : (در فاصله ی زمانی ۱۰ تا ۱۶ بهمن ماه ۱۳۶۳ موسوم به هفته ی حماسه ی اشرف و موسی)

۱. تهاجم به افراد به قرار زیر :
- ۲ مورد تهاجم در شیراز که در نتیجه ۶ نفر کشته یا زخمی شده اند . ۲ تهاجم در اصفهان که در نتیجه دو نفر کشته یا زخمی شده اند . ۳ مورد تهاجم در استان باختران (کرمانشاه فعلی) که در نتیجه ۵ نفر کشته یا

زخمی شده اند . ۲ مورد تهاجم در تبریز که در نتیجه دو نفر کشته و زخمی شده اند . (در هیچ یک از موارد به مشخصات دقیق قربانیان و زمان و محل عملیات های تروریستی اشاره نشده است)

**۲. آتش زدن خودرو به قرار زیر :**

۱۵ دستگاه در استان فارس . ۳ دستگاه در استان خوزستان . یک دستگاه در شهر کرد . ۱۴ دستگاه در استان اصفهان . ۳ دستگاه در استان لرستان . ۵ دستگاه در استان همدان . ۲ دستگاه در استان زنجان . ۵ دستگاه در استان مرکزی . ۹ دستگاه در قزوین و تاکستان . ۱۴ دستگاه در استان آذربایجان شرقی به اضافه اردبیل و ۴ دستگاه در استان آذربایجان غربی .

**۳. تخریب امکان شخصی و دولتی :**

استان فارس ۱۷ مورد . استان اصفهان ۲۹ مورد . استان خوزستان ۱۰ مورد . استان همدان ۵ مورد . استان آذربایجان شرقی به اضافه ی اردبیل ۳۴ مورد . استان آذربایجان غربی ۷ مورد . استان لرستان ۸ مورد . استان مرکزی ۷ مورد .

**۱۱. نشریه ی مجاهد ، شماره ی ۳۹۲ ، ص ۳**

تهاجم خمپاره ای به سازمان صنایع دفاع ، تهران :

" در حوالی ساعت ۲۱:۳۰ دوازدهم خرداد ۱۳۷۷ واحدهای عملیاتی مجاهد شهید فرشته اسفندیاری

، صنایع نظامی رژیم آخوندی در سلطنت آباد تهران (پاسداران) را خمپاره باران کردند ."

(از خسارت های احتمالی اطلاعی در دست نیست)

**۱۲. نشریه ی مجاهد ، شماره ی فوق العاده ، ۱۳۷۷/۲/۲۹ ، ص ۱**

تهاجم خمپاره ای به ستاد فرماندهی بسیج تهران :

" حوالی ساعت ۷ بعدازظهر پنجشنبه ۲۷ اسفند ماه ۱۳۷۷ واحدهای عملیاتی مجاهدین ستاد فرماندهی نیروهای بسیج مقاومت سپاه پاسداران (۱) در افسریه ی تهران را طی یک عملیات بزرگ خمپاره باران در هم کوبیدند . بر اثر خمپاره باران ستاد فرماندهی بسیج ضد مردمی ، ساختمان های فرماندهی مورد اصابت قرار گرفت و تلفات و خسارات سنگینی وارد آمد ."

---

۱. عنوان صحیح نیروی مقاومت بسیج است که در متن نشریه ی مجاهد به غلط نیروهای بسیج مقاومت آمده است .

### ۱۳. نشریه ی مجاهد ، شماره ی فوق العاده ، ۱۳۷۸/۹/۷ ، ص ۱

تهاجم خمپاره ای به اداره ی کل اطلاعات خوزستان ، مقر جهاد سازندگی و یک مقر بسیج ، اهواز :

" حوالی ساعت ۷ بعدازظهر پنجشنبه ۴ آذر ماه ۱۳۷۸ واحدهای عملیاتی مجاهد شهید حمید احرار به وظایف انقلابی و میهنی خود در شهر اهواز قیام کرده و در منطقه ی امنیه ی شهر اهواز ، اداره ی کل اطلاعات خوزستان را همراه با مقر موسوم به فجر ، مقر جهاد ضد مردمی و یک مقر بسیج در هم کوبیدند . " (۱) (بدون اشاره به خسارت های احتمالی)

---

۱. هر چند سازمان در این مورد به تلفات جانی هیچ اشاره ای نکرده است ، اما در این حمله ی تروریستی یک نفر از شهروندان اهوازی شهید و هشت نفر مجروح شدند .